

بیانات در مراسم بیعت فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد / ۱۳۴۸/۰۲/۳۰

حوزه‌های علمیه باید بر سه مینا تحرک خودشان را افزایش دهند و سازماندهی و نوآوری کنند:

مبنای اول، فقه سنتی و جواهری است، که تعبیر امام بزرگوارمان بود. صاحب جواهر، مظهر یک فقیه مقید به مقررات فقهت و قواعد اصولی و فقهی است. او یک ملاک اصولی مقید و دقیق و منظم بود که از موازین رایج فقهی بین اصولیین، هیچ تخطی نکرد و در بررسی هر مسأله، شهرت و اجماع و ظواهر ادله و اصول و هرچه را که جزو ابزارهای معمولی کار فقهت شمرده می‌شود، در اختیار گرفت و آنها را با همان دقت یک فقیه اصولی به کار می‌بست. بنابراین، فقه جواهری، یعنی همان فقه سنتی رایج با متد فقهت، این روش و متد، همان کیفیت رسیدگی یک مسأله در فقه است.

روش رایج فقه، بدین ترتیب است: اولاً، استفاده از ظواهر و علاج مشکلات ظواهر و امارات؛ و هنگامی که فقیه دستش از امارات کوتاه شد، مراجعه به اصول، و پیدا کردن اصلی که این‌جا مجرای آن است؛ و اگر معارضه‌یی میان اصول وجود داشته باشد، علاج کردن آن معارضه و دیگر مشکلات باب اجرای اصول ... و بالاخره از آب در آوردن مسأله‌ی فقهی. این، فقه جواهری است. ما دو فقه، یکی سنتی و دیگری پویا نداریم. فقه پویا، همان فقه سنتی ماست. پویاست، یعنی علاج‌کننده‌ی مشکلات انسان و پاسخگوی حوادث واقعه است؛ و سنتی است، یعنی دارای شیوه و متدی است که بر طبق آن «اجتهاد» انجام می‌گیرد، و این شیوه قرن‌ها معمول بوده و کارایی خود را نشان داده است.

باید فقهت تقویت شود و درسها و حوزه‌های فقهت مورد اهتمام قرار گیرند. اصولا بی‌مایه فطیر است و بدون درس خواندن و زحمت کشیدن و ملا شدن، نمی‌توان مفید واقع شد. مبنای دوم، تزکیه اخلاقی است، که اگر در افراد حوزوی نباشد، همان مسأله‌ی دزدی است که با چراغ می‌آید و کار را مشکلتر می‌کند. این قسمت، مستغنی از بیان است.

مبنای سوم، آگاهیهای سیاسی است. اگر شما اعلم علما هم باشید، ولی زمانتان را نشناسید، محال است بتوانید برای جامعه‌ی اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند، و اگر متوجه نباشیم که در جامعه‌ی ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علاجش چیست، و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندیهای امروز جهان چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم.

پیام به گردهمایی دبیران درس قرآن سال اول دبیرستانها / ۱۳۴۸/۰۷/۳۰

این دوران، دوران قرآن است؛ زیرا پس از تجربه‌های ناموفق بشر در قرنهای بیداری و شکوفایی و جهش، یعنی پس از آنکه بشر نتوانسته است نظام زندگی انسانی و تسلابخشی متناسب با رشد طوفانی و شگفت‌آور علم برای خود پدید آورد، اکنون راهها بتدریج به طریقه‌ی توحید و راه دین می‌گراید و انسان که به پختگی نزدیک شده، آنچه را در دوران غرور جاهلانیه آغاز شکوفایی علم به فراموشی سپرده، دوباره باز می‌جوید و این در همان دورانی است که دین در نقطه‌یی از جهان به حاکمیت رسیده و با انقلابی عظیم و استثنایی، زمام زندگی میلیونها انسان را به دست گرفته است.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۴۸/۱۱/۳۰

آن جاهایی که انقلابی بر اساس لامذهبی به وجود آمده، در هنگام شکوفایی انقلاب و اوج نهضت انقلابی، ضایعات فراوانی ایجاد شده است؛ چون مردمی که تحت هیچ قانون و قاعده و ضابطه‌یی نیستند و نظامی را از بین بردند و هنوز هم چیزی جایگزین نشده، قاعدتا در معاملات اجتماعی و برخوردها و انتقام‌گریشان، خیلی بی‌محابا عمل می‌کنند.

بیانات در دیدار معلمان و کارگران / ۱۳۴۹/۰۲/۱۳

باید روی افکار شهید مطهری، کار فکری بشود. یعنی جمعی اهل تحقیق و علاقه‌مند به کار علمی، بنشینند و نظرات و تفکرات شهید مطهری را در ابواب مختلف استخراج کنند. مثلاً از مجموع آثار ایشان، نظر آن شهید را در باب وجود، در باب انسان، در باب اختیار، در باب عدالت، در باب تاریخ، در باب قضا و قدر، در باب عرفان و درباره‌ی موضوعات بی‌شمار و متنوعی که ایشان در مباحثشان مطرح کرده‌اند، استخراج کنند. اگر نظرات مختلفی در طول زمان داشته‌اند، مثلاً در یک دوره در مسأله‌یی، این نظر را داشته و سپس در چند سال بعد، نظر ایشان تغییر کرده، آن را در این کتاب مشخص کنند و روی آن کار نمایند. این، راه گسترش و پیشرفت و شکوفایی فکری جامعه بر مبنای آثار شهید مطهری است که امیدواریم این کار انجام بگیرد و در وضع کنونی، همه‌ی قشرها مسوولیت خودشان را در قبال این حرکت عظیمی که جامعه‌ی ما به آن سرگرم است، پیدا کنند و آن را بخوبی انجام دهند.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۴۹/۰۲/۱۰

گسترش دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعدادهای انسانی و گسترش آگاهی و معرفت عمومی، یکی دیگر از نقاط اساسی انقلاب است. جامعه‌ی مطلوب اسلام، جامعه‌یی است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسانها - که گرانبهاترین ثروت ملی هر جامعه‌یی است - استخراج و به کار گرفته شود؛ بی‌سوادی ریشه‌کن گردد؛ مدارس، در برگیرنده‌ی همه‌ی کودکان و نونهالان؛ دانشگاهها و حوزه‌های علمیه، پررونق؛ مراکز تحقیق، فعال و پیشرو؛ کتاب، همه جا و نزد همه کس رایج؛ مطبوعات، پرمغز و آگاهی‌بخش؛ دانشمندان و اساتید، با نشاط و پرانگیزه؛ مبتکران و نوآوران و نویسندگان و هنرمندان، دلگرم و فیض‌بخش باشند.

فاصله‌ی امروزین ما با وضعی که مطلوب و مقبول اسلام می‌باشد، فاصله‌یی زیاد، اما پیمودنی است. ایران اسلامی باید ثابت کند که امروز هم پرورشگاه نبوغها و استعدادهای علمی منحصربه‌فرد است و دو قرن سلطه‌ی استبداد و استعمار، نتوانسته است جوهر ذاتی این ملت را نابود کند. اگر در دو قرن گذشته، تسلط استعمار و استبداد، مانع شکوفایی استعدادها شده، امروز در دوران آزادی و بیداری ملت و به برکت انقلاب اسلامی، باید عقب‌ماندگی جبران شود.

دانشگاهها باید تلاش علمی و تحقیقی خود را با روحیه‌ی انقلابی و نشاط اسلامی دنبال کنند؛ وگرنه سرنوشت آنها بهتر از دانشگاههای دوران طاغوت نخواهد بود که در آن، خودباختگی علمی در برابر بیگانگان و تحقیر ارزشهای خودی، راه را بر جوشش استعدادها می‌بست و مغزهای مستعد را هم به گریز از مرز و بوم خود تشویق می‌کرد. اساتید عالی‌قدر و دلسوز، باید فضای انقلابی را برای تربیت نیروهای مستعد مغتنم بشمارند و دانشجویان ضمن تکریم و احترام به اساتید - که فریضه‌یی اسلامی است - نباید اجازه دهند احیاناً کسی بدخواهانه، از علم و تخصص، وسیله‌یی برای هموار کردن راه فرهنگ استعماری در دانشگاهها درست کند و مانند دوران سلطه‌ی بیگانگان، دانشگاه را پرورشگاه مغزهای از خود بیگانه و بیگانه‌پرست سازد. روشنفکران دلسوز و صادق بدانند که امروز، روز آزمایشی بزرگ است و تاریخ درباره‌ی آنان و رفتار امروزیشان، قضاوتی دقیق و افشاگر خواهد داشت.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۴۹/۰۳/۱۰

موضوعی‌های دشمنان، بدرستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن‌بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاً این‌که قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌ی دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت از آن جایز نیست. ثانیاً این‌که تخریب و واپس‌گرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستگانه توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادی و سو استفاده از مکانات اجتماعی، خطریش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاقت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البته با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و میانی فقاقت، راه را بر التقاط و کجروی ببندند. رابعاً انزوا و دوری از فعالیت سیاسی را - که خواست دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است - به هیچ‌وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ فولی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر: مدرسه، مسجد و جبهه را پر کنند.

بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و روسای دانشگاه‌های سراسر کشور / ۱۳۴۹/۰۵/۲۳

تدین، جزو وجود و ذهن انسان است، با انسان رشد می‌کند، شکوفایی پیدا می‌کند و در تمام حرکات انسان اثر می‌گذارد. دین که بیگانه‌ی از زندگی نیست. دین، در یک کلمه حرف زدن، در یک اشاره، در یک موضعگیری، تأثیر می‌گذارد. انسانی که معتقد به دین است، مگر می‌تواند مدتی بی‌دین زندگی کند؟

بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه قم / ۱۳۴۹/۱۱/۰۲

طلبه باید روحیه‌ی جوانی را با همه‌ی خصوصیات جوانی حفظ کند. البته جوانی طلبیه، جوانی نجیبی است. نوآوری جوان، گستاخی جوان، ابتکار جوان، بسیاری از قیود را نپذیرفتن - که در روحیه‌ی جوان هست - در طلبه هست و همه‌ی اینها مثبت است؛ اما قید دین و پایبندی به ضوابط که در طلبه هست، آن روحیات قبلی را تکمیل می‌کند. اگر آن خصوصیات جوانی تنها باشد، به گستاخی‌های بی‌جا و بعضی از حوادثی که انسان در طول زمانها در دانشگاهها و غیردانشگاهها مشاهده کرده است و حتی گاهی اوقات به انحرافها منتهی خواهد شد. اما وقتی با تدین و احترام به بزرگتر همراه شد - که این، در حوزه‌ی علمیه یک سنت است؛ سنت احترام به بزرگترها، احترام به استاد، احترام به پیشکسوت، آن کسی که از ما جلوتر است و زودتر از ما درس را شروع کرده و دوره‌های تحصیلی را یکی پس از دیگری گذرانده است - جوانی نجیب و توأم با صلاحی را در حوزه به وجود می‌آورد.

بیانات در آغاز درس خارج فقه / ۱۳۷۰/۰۶/۳۱

امروز فقه ما باید احکام معاملات را خوب برسد؛ احکام اجاره را به شکل جهانی خوب نگاه کند؛ احکام انواع و اقسام قراردادهای را از شرع مقدس استنباط و بیان کند. خیلی از اینها هست که امروز برای ما روشن نیست. شما ببینید یک مضاربه‌ی ما - که برای آن خیلی هم تره خرد نمی‌کردیم - می‌تواند علی‌الغرض بانکداری را اداره بکند. خیلی خوب، چرا ما در کتب فقهیه و ابواب مختلف فقهیه تفحص لازم نکنیم، تا راه‌هایی را برای اداره‌ی زندگی پیدا نماییم؟ پس، هم از لحاظ سطح بایستی پیشرفت بکند و گسترش بیشتری پیدا نماید، و هم از لحاظ روش. همین روش فقاقتی که عرض شد، احتیاج به تهذیب، نوآوری و پیشرفت دارد. باید فکرها را نو روی آن کار بکنند، تا این‌که بشود کارایی بیشتری به آن داد.

بیانات در آغاز درس خارج فقه / ۱۳۷۰/۰۶/۳۱

مسئله‌ی پانزدهم این است که در امتحانات طلاب - که بسیار هم مهم است - ممتحنان باید با روش خود، طلاب را از غور بی‌حاصل در بعضی از کارهای کوچک و ریز و عبارتها و ریزه‌کاریها و پرداختن به حواشی و امثال اینها برحذر بدارند و بیرون بکشند. این‌طور نباشد که طلبه خیال کند اگر بخواید امتحان بدهد، بایستی مثلاً این‌گونه در جزئیات دقت بکند و این ریزه‌کاریها را بداند، و نتیجتاً از آن مسائل اصلی باز بماند. البته در درسها هم باید این نکته رعایت شود، اما عمده در امتحان است. نه تنها طلاب را بایستی از غور بی‌حاصل در بعضی از کارهای کوچک برحذر بدارند، بلکه بیشتر باید آنها را به تحقیق، به تفحص، به آزاداندیشی، به سعه‌ی مسائل مورد نظر و نوآوری سوق بدهند.

آخرین مساله، مسئله‌ی کتابهای درسی است. این کتابهای درسی ما ابدی نیست که باید تا آخر گفت: «ثلاثه لیس لها نهایه؛ رسائل، مکاسب، کفایه». نه، یک روز رسائل نبود، یک روز مکاسب نبود، ملایمی مثل شیخ درست شد. یک روز کفایه نبود، ملایمی مثل آخوند درست شد. این‌چنین نیست که ما خیال کنیم تحصیل حتماً از طریق این کتابهاست؛ نه، نگاه کنیم، عیب این کتابها را پیدا کنیم و یک کتاب بی‌عیب در اختیار بگذاریم؛ ببینیم آیا این ترتیب علمی درست است، یا درست نیست؛ اگر دیدیم درست نیست، شکل درستش را پیدا کنیم. هیاتهای برای نوشتن کتاب، نوشتن مطالب جدید، فقه مقارن را در حوزه باب کردن، و خلاصه روشهای نو را در کتابهای درسی هم به کار گرفتن، باید اختصاص پیدا کند.

بیانات در دیدار اعضای دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه / ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

آن چیزی که مهم است، ابتکار و نوآوری است. نوآوری، باب بسیار وسیعی است. توصیه‌ی من دارم، این است که باب این نوآوری بسته نشود و همین‌طور دایما راههای تازه و درهای جدیدی ان‌شاءالله باز بشود.

بیانات در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۷۰/۱۱/۱۵

شما می‌توانید موسیقی سفارش بدهید. به همین ارکستر بزرگ تهران - که متعلق به رادیو و تلویزیون است - سفارش بدهید و از آنها بخواهید بیاورند؛ چنانچه نپسندیدید، رد کنید؛ بگویند این به دردمان نمی‌خورد؛ یکی دیگر بسازید. شاید این مراجعات مکرر شما، موسیقیدانها و خوانندگان و نوازندگان ما را هم یک‌خرده سر شوق بیاورد که چیزهای جدیدی بسازند. اینها هم هم‌هانش دنبال چیزهای عجیب و غریب قدیمی هستند و واقعا نوآوری ندارند؛ اشکال کارشان این است! خیال می‌کنند نوآوری همین است که مثلاً یک ذره مردم را به چیزهای طرب‌انگیز لهوآمیزی سرگرم کنند؛ درحالی‌که موسیقی می‌تواند لهوی نباشد. خود معنای لهو، یعنی غافل کننده.

بیانات در دیدار مسئولان مجله‌ی حوزه / ۱۳۷۰/۱۱/۲۸

الحمدلله چیز خوبی که در این مجله هست، حس اعتماد به نفس و نوآوری است، که از اول در این مجله مشهود بوده و الان هم هست؛ این بایستی حفظ بشود. هر چیزی که امروز نو باشد، چند سال دیگر نو نیست. بایستی اقتضای نو بودن را در هر زمانی پیدا کرد؛ یعنی واقعا گروهی مثل گروه‌های طرح و برنامه - که در واحدها و مجتمعهای بزرگ هست - به دنبال این قضیه باشد. مثلاً در ستاد ارتش، اداره‌ی بی‌نام «اداره‌ی پنجم» وجود دارد که کارش فقط همین است که هر روز نگاه کند ببیند این قالب و این ترکیبی که وجود دارد، کجایش کم است، کجایش زیاد است. ممکن است امروز همه چیز کامل باشد - کم و زیاد نباشد - اما فردا که

نگاه می‌کنیم، ببینیم این قسمت زیادی است؛ یا این قسمت کج است؛ یا این خطی که این‌طوری کشیده شده، باید انحنایش کمتر یا بیشتر باشد. خوب است که یک گروه طرح و برنامه در داخل مجله وجود داشته باشد - شاید هم آن را داشته باشید - که دایم در فکر نوآوری برحسب اقتضا باشد. نوآوری هم خودش فی‌نفسه یک ارزش نیست؛ نوآوری برحسب اقتضات ارزش است. اگر چیز نویی بیاوریم که برحسب اقتضات نباشد، چیز خوبی نیست. بدعت، یک نوآوری است؛ اما در شرع مقدس اسلام بد است. بنابراین، باید ابتکاراتی بر اساس نیازها و اقتضات وجود داشته باشد. شما این را شامل همه چیز بکنید؛ طرح مجله، صفحه‌بندی مجله - البته صفحه‌بندی آن خوب است؛ من در صفحه‌بندی هیچ اشکالی ندارم؛ صفحه‌بندی مدرن و زیبایی است؛ اما در عین حال کدام چیز زیبایی است که نشود زیباتر بشود - حتی آن فرم و قالبها و بزرگ و کوچک بودن حروف و تیتربندی و تقسیم‌بندی و توزیع مطالب. الان توزیع مطالب شما بین مسائل حوزه و مسائل عمومی، در چه حد است؟ بالاخره شما معیاری دارید که مسائل حوزه‌ی چه‌قدر باشد، مسائل خارج حوزه و غیرحوزه‌ی چه‌قدر باشد؛ این قابل تجدید نظر است؛ یعنی هر وقتی انسان می‌تواند روی این تجدید نظر بکند.

بیانات در دیدار اعضای گروه اجتماعی صدای جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۷۰/۱۱/۲۹

مواظب باشید رشد برنامه‌هایتان توقف نکند. توقف، تنزل است؛ ما توقف نداریم. هر جا توقف بکنید، آن تنزل است؛ یعنی لحظه‌ی بعد از لحظه‌ی اول توقف، تنزل است؛ چون باید بالا می‌رفتید، ولی مانده‌اید؛ پس تنزل کرده‌اید. من می‌بینم که بعضی از برنامه‌ها خوب است، اما یکنواخت است؛ یکنواخت به این معنا که بهتر شدن ندارد؛ باید هر برنامه‌ی شما، امروز از دیروز بهتر باشد؛ فردا از امروز بهتر باشد. البته منظورم روز ترتیب زمانی با این سرعت نیست؛ چون امکان ندارد در ظرف یک روز چنین تفاوتی ایجاد شود؛ شما باید شکلی را معین کنید؛ مثلا یک سال را در نظر بگیرید. مسلما برنامه‌ی شما در سال ۷۰، باید از سال ۶۹ بهتر می‌بود. هر کدام در هر جا هستید، خودتان را آماده کنید که برنامه‌ی سال ۷۱ شما از سال ۷۰ قطعا بهتر باشد؛ بهتر شدنش هم به این می‌شود که اول نوآوری داشته باشید و در برنامه ابتکار به‌کار ببرید؛ ثانيا در محتواها حتما یک عمق بیشتر به‌وجود بیاورید؛ ثالثا روشهایی به‌وجود بیاورید که این برنامه بلیغ‌تر بشود. بلیغ یعنی چه؟ یعنی رسا، بلاغت، یعنی رسایی. مقصود شما این است که پیامتان به گوش ما که مستمعان هستیم، برسد؛ پس این بلاغت را باید روزبه‌روز بیشتر کنید. این بلاغت، به محتوا ارتباط دارد؛ به لفظ ارتباط دارد؛ به زبان نوشته ارتباط دارد؛ به صدای مجری ارتباط دارد؛ به کیفیت حرف زدن مجری ارتباط دارد؛ همه‌ی اینها در بلاغت موثر است.

بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم / ۱۳۷۰/۱۱/۲۰

کتابهای درسی، یکی دیگر از مشکلات حوزه‌ی علمیه‌ی قم و حوزه‌های علمیه‌ی دیگر است. تا سخنی از کتابهای درسی می‌گوییم، می‌گویند فلان عالم بزرگ هم همین کتابها را خواند؛ حالا آنهایی که انقلابی‌ترند، می‌گویند امام هم همین درسها را خواند که امام شد! آیا امام چون همین درسها را خواند، امام شد؟! امام جوهر مخصوصی بود. آنچه که شما در عظمت امام پیدا می‌کنید، ناشی از این نیست که این کتابهای درسی را خواند. وانگهی، از زمانی که امام راحل (رضوان‌الله‌علیه) این کتابها را می‌خواندند، تا حالایی که من و شما می‌خواهیم این کتابها را بخوانیم، بین این دو مقطع، شصت سال، هفتاد سال فاصله شده است.

کتاب درسی جدید تولید کنید. چه اشکالی دارد که عده‌ی بنشینند کتاب درسی جدید تولید کنند؟ می‌گویند ما شهید ثانی نمی‌شویم! خیلی خوب، شهید ثانی نمی‌شوید؛ اما بسیاری از فقهای امروز ما از فقهای گذشته واردترند. من نمی‌گویم رتبه‌ی علمی و استعدادشان بیشتر از آنهاست - شاید اگر در زمان آنها بودند، مثل آنها نمی‌توانستند باشند - اما بسیاری از آنها، سطح معرفت فقهیشان بالاتر از خیلی از فقهای گذشته‌ی ماست؛ چرا نمی‌شود؟ کتاب اصول تولید کنید؛ کتاب فقه تولید کنید؛ برای مراتب مختلف تولید کنید؛ شکل درس را عوض کنید.

آن روز یکی از دوستان عزیز ما - که من واقعا خیلی هم خاطرش را گرامی می‌دارم - به من می‌گفت که این‌طور نمی‌شود که در حوزه جنس پلاستیکی درست کرد؛ باید مطول و بعد معالم و بعد قوانین و بعد لمعه را با شروحش از اول تا آخر مطالعه کرد. من به او گفتم که نمی‌گویم جنس از پلاستیک درست کنید؛ بلکه می‌گویم امروز در دنیا از جنسی که از آهن سخت‌تر است، صفحه‌ی نازک‌تر از کاغذ درست می‌کنند؛ من می‌گویم این را درست کنید.

نوآوری کنیم. مگر می‌شود این همه مجموعه‌ی انسانی با این عظمت و با این همه استعداد، در کتاب درسی نوآوری نداشته باشد؟ این همه کارها را چه کسی باید بکند؟ این کارها را بایستی مدیریت حوزه بکند. البته کارهای فردی انجام گرفته است؛ فرد مخلص، مصلحی، دلسوزی، کتابی نوشته؛ کتابی تخلص کرده؛ کتاب نویی آورده؛ درس جدیدی گفته؛ مطلب تازه‌ی آورده؛ اما کار فردی به جایی نمی‌رسد؛ کار باید جمعی باشد؛ باید بر حوزه فرض بشود؛ باید مثل قالبی گذاشته شده باشد.

بیانات در دیدار قاریان / ۱۳۷۰/۱۲/۲۷

ما احتیاج داریم که در داخل کشور قرائی پیدا بشوند که در قرائت صاحب سبک باشند؛ حالا به همین قرائت مشهوری که ما می‌خوانیم - که قرائت «حفص» باشد - یا در کنارش هم قرائتهای دیگری که مثلا در شمال آفریقا معمول است. این که شما می‌بینید مصریها دایما قرائت «ورش» و «قالون» را می‌خوانند، به این دلیل است که این دو قرائت در آنجا رایج است. مثلا در لیبی و الجزایر و تونس، قرائت «ورش» در مکتخانه‌ها تدریس می‌شود، نه قرائت «حفص». البته در دنیای اسلام قرائت «حفص» - همین قرائتی که حالا معمول ماهاست و آن را می‌خوانیم - معروفتر است. من موافقم که برادران قرائتهای دیگر - بخصوص قرائت معروف؛ مثل قرائت «ورش» - را یاد بگیرند و بخوانند. ما باید به آنجا برسیم که وقتی قاری ما شروع به خواندن می‌کند، کیفیت ادا و بیان کلمات قرائی توسط او به‌گونه‌ی باشد که حضار به همان اندازه که با زبان عرب آشنا هستند، تحت تاثیر قرار بگیرند؛ که هدف اصلی قرائت هم این است. شما که الحمدلله صدا و تجوید و قرائتتان خوب است، باید تلاش کنید به آنجا برسید که مثل شیخ مصطفی اسماعیل - که این آقایان قرائی که به این‌جا می‌آیند، کمتر مثل او می‌خوانند - بتوانید کلام خدا را آنچنان ادا کنید که مستمع به همان اندازه‌ی که ظرفیت دارد، تحت تاثیر کلام الهی قرار بگیرد و آن فضا را احساس کند. شما باید در این زمینه صاحب سبک بشوید و دیگر مقلد این و آن هم نباشید؛ این آن حد اعلائی است که فعلا مورد نظر ماست؛ این زحمت و تلاش و نوآوری لازم دارد. نکته‌ی آخر راجع به این تواشیح است. من خیلی خوشحال شدم از این که دیدم برادران مشهدی ما الحمدلله این نوآوری را کردند و آمدند شعر نو و آهنگ نو خواندند. البته چیزهایی از این تواشیح خیلی عربی است و ماها نمی‌فهمیم؛ عیبی هم ندارد و ما هم نفی نمی‌کنیم؛ اما آن چیزی که بسیار خوب است، این است که سبک، نوست؛ شعر، نوست؛ دیگر تقلید محض از دیگران نیست. من غالبا به این برادرانی هم که در تهران مشغول هستند و همین گروههای تواشیح و همخوانی را دارند - که انصافا هم بسیار خوبند - گفته‌ام که این قرآن‌خوانی مشترکی که شماها دارید، خیلی عالی است؛ واقعا در دنیا کم‌نظیر است که این‌طور هفت، هشت نفر با هم همخوانی دارند؛ اما در زمینه‌ی این آهنگها و سرودهایی که درباره‌ی توحید و حضرت ختمی مرتبت (علیه‌و‌علی‌آله‌السلام) و یا راجع به موضوعات دیگر است، باید نوآوری کنید. شما این قصیده‌ی «برده» و «لامیه العجم» و قصاید شیخ کاظم اریزی و این قصاید معروف عربی را که در هر محفل عربی بخوانید و در آنجا چهار نفر آدم عربی‌دان باشند، تا بیت اولش را خواندید، همه می‌فهمند که اصلا شما چه می‌خواهید بخوانید؛ قصیده برایشان روشن است؛ این قصیده خوب است؛ آن وقت شما این را با آهنگ ابتکاری بخوانید؛ همین‌طور که الان این برادران با آهنگ جدید خواندند. صداهای شما هم الحمدلله از صداهای آنها کمتر نیست. هیچ لزومی ندارد که چون «طه الفشنی» یا دیگران این قصیده را خوانده‌اند، ما هم همیشه تا آخر همین را بخوانیم. البته اگر در شروع کار از آنها یاد گرفتیم، عیبی ندارد؛ اما انسان تا آخر که نباید

همیشه تقلید بکند؛ باید نوآوری بکند. در مدح رسول اکرم و در مدح ائمه (علیهم‌السلام)، در مدح ماه رمضان، در مدح قرآن، درباره قرآن، و در مناجات باری تعالی، شعرهای بسیار خوب عربی ممتازی وجود دارد؛ اینها را بخوانید. امیدواریم که ان‌شاءالله روزه‌روز این کار پیشرفت کند.

پیام به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم / ۱۳۷۱/۰۸/۲۲

حوزه‌ی علمیه، مشتمل بر میراث گرانبهایی از روشها و تجربه‌ها و اندوخته‌های علمی است. برای بهره بردن از این میراث فنی و علمی و افزودن بر آن، باید از نیروی ابتکار و خلاقیت استفاده کرد. همان‌گونه که اسلاف صالح نیز، با ابتکار و خلاقیت خود بود که توانستند دانشهای دینی را به سطح کنونی برسانند. حوزه باید راه را بر نوآوری علمی و فنی فرزندان خود باز کند و تازه‌های بازار رایج علم دین را به چشم تقدیر بنگرد و صاحبان آن را تشویق کند و در عین حال، تصرف ناشیانه و خودسرانه در بنیادهای سنتی را مجاز نشمرد و به اعمال نظرهای جاهلانه و مغرضانه، میدان رشد و جولان ندهد.

همین سخن، درباره‌ی سنتهای ساختاری حوزه و شیوه‌های تعلیم و تعلم نیز جاری است. بی‌شک، در این مقوله نیز بسی اندوخته‌های ارزشمند هست که مزایای نظام حوزه‌ای به شمار می‌آید و در هر تحول ساختاری باید محفوظ بماند. ولی این سخن حق، نباید مدعای حق‌دیرگی را به فراموشی دهد؛ و آن این‌که، حوزه برای پیشرفت خود، باید از ابزارها و روشهای متداول در محیطهای علمی استفاده کند و خود را از امکاناتی که بشر را در کسب علم موف‌قتر می‌سازد، محروم نسازد. در دنیایی که تازه‌های ابزاری و ساختاری، به دانش پژوهان فرصت می‌دهد که تازه‌ترین دستاوردهای ذهن بشر را به سهولت کسب کنند، روا نیست که طالب علم دین، راهی به نوآوری در روشهای ناقص و معیوب نداشته باشد.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۷۲/۰۲/۱۵

شرط دیگر این است که در محیط کار و تلاش اقتصادی کشور، ابتکار وجود داشته باشد. من عرض می‌کنم چه خوب است کارخانه‌هایی که در کشور ما وجود دارد؛ چه آنهایی که در اختیار دولت است و چه آنهایی که در اختیار مردم است امروز تعداد زیادی از واحدهای تولیدی در اختیار مردم و مال خود مردم است یک مقدار از درآمدشان را برای تحقیق، برای پیشبرد کار و برای کیفیت بخشیدن به کالای تولیدیشان صرف کنند. چرا ما باید بنشینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه‌ی دیگر دنیا تحقیق بکند و ما از او یاد بگیریم؟! مگر ما کمتر از آنها هستیم؟! مگر ما کمتر می‌فهمیم؟! پس باید تحقیقات کنند، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صنعت را جلو ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند. این هم یک شرط؛ ابتکار داشتن و نوآوری.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب / ۱۳۷۲/۰۹/۲۲

این را همه می‌فهمند: نه امام و نه دیگر بزرگواران نخواستند بگویند که دانشگاهها جمع شوند و قم برونند، یا شعبه‌ای از حوزه‌ی قم شوند. یا این‌که حوزه‌ی قم جمع شود و بیاید در دانشگاهها حل گردد، یا شعبه‌ای از آنها شود. هیچ‌کس این را نخواست و مطرح نکرد. مساله این است که ما دو نهاد اصیل دانشجویی داریم. یکی متوجه به کسب علوم مربوط به فهم و تبلیغ دین و نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسائل روز و حادث شونده در زندگی است، که این حوزه است و کارش عبارت است از تحقیق در مسائل دینی و فراگرفتن احکام الهی در همه‌ی شیوین زندگی. آن هم نه فقط در آنچه که مربوط به کنج محراب یا کنج خانه است؛ بلکه در قلمرو وسیع زندگی بشر. این گروه، این گروه، این را باید فراگیرند؛ احکام جدیدش را تحقیق کنند؛ ناخالصیها و ناسره‌ها را از آن بردارند و آن را با زبان مناسب، در هر جامعه‌ای و هر زمانی و هر مخاطبی، به رساترین شکل ممکن به مخاطبین برسانند. این، وظیفه‌ی آن نهاد حوزه‌ای است و اسمش «حوزه‌ی علمیه» است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب / ۱۳۷۲/۰۹/۲۲

عین همین مسائل، نسبت به حوزه است. من درباره‌ی مسائل حوزه، حرفها و سخنها دارم و گفته‌ام. اما این‌جا چون چهره‌ی عمومی، چهره‌ی دانشجویی است، بیشتر به دانشگاه پرداختم. لکن مسائل حوزه هم، همین‌طور است. حوزه هم به این‌که خود را به روز کند احتیاج دارد. حوزه‌ی علمیه قم، به عنوان قله حوزه‌های علمیه، و به دنبال آن حوزه‌های دیگر علمیه، باید کاری کنند که دین خدا در بین مردم، مورد رغبت و شوق قرار گیرد. دین را آن‌چنان که خدا خواسته است، باید به مردم ارائه دهند. این هم احتیاج به تحقیق، به نوآوری، به روشنفکری، به آگاهی از دنیا و به خالی بودن از هواها و هوسهای دنیایی دارد. اگر نه در همه؛ لاف در بخش عظیمی و حداقل در کسانی که دست‌اندرکار و مسوول هستند. لذا شما می‌بینید درباره‌ی مرجع تقلید، چه سختگیریهایی در اسلام هست: «صائنا لنفسه، حافظا لدینه، مخالفا لخواه، مطیعا لامر مولاه».

بیانات در آغاز درس خارج فقه / ۱۳۷۲/۰۶/۲۰

آقایان! من می‌خواهم عرض کنم که فقهای بزرگی از قبیل صاحب «جواهر» - که ما به تعبیر امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، فهمان را «فقه جواهری» گفتیم - خصوصیت عمده‌اش این بود که اهل تحول در اندیشه‌های رایج فقهی زمان خود بود. اعتنا به شهرت و اجماع و اینها، از خصوصیات افراد خیلی معنی است. بعضی از فقها، چندان به شهرت و اجماعات منقوله، اهتمامی ندارند. مرحوم صاحب «جواهر»، در مسائل مختلف، به شهرت و اجماع تکیه می‌کند. در عین حال، این مرد، دارای افکار نو و جدید است. ایشان فتاوایی دارد - یا آن‌جاها هم که به فتوا نرسیده، حرفهای نزدیک به فتوا دارد - که شاید قبل از ایشان، احدی از فقها نگفته است، یا لاف در معروف نیست. یکی همین مساله‌ی «جهاد ابتدایی در زمان غیبت» است، که مشهور و معروف بین فقهای متاخر این است که «مشروع نیست»، اما ایشان طوری بحث می‌کند که نتیجه این می‌شود که «مشروع است». خوب؛ این نوآوری است. در مسائل گوناگون، مرحوم صاحب «جواهر» همین‌طور است. فقهی می‌تواند الگو، برجسته و بزرگ باشد، که دارای چنین روحی باشد. مرحوم آیه‌الله بروجردی رضوان‌الله‌علیه که در زمان خودش قله‌ی فقاقت شیعه شد، از این قبیل بود. امام رضوان‌الله‌علیه از این قبیل بود.

در حوزه‌ها باید روح تطور علمی و فقهی وجود داشته باشد. حالا یک وقت به قدر فتوا آماده نمی‌شود. خوب؛ نشود. بحث علمی را بکنند. من می‌بینم گاهی چند نفر در یک بحث فقهی، حرف جدیدی را مطرح می‌کنند. بعد، از اطراف به اینها حمله می‌شود که «شما چرا این حرف را زدید؟!» در این اواخر، بعضی از فقهای فاضل خوب دارای فکر نو، بعضی از حرفها را مطرح کردند که مطرح کردنش ایراد ندارد. در حوزه‌ی علمیه، باید طاقث شنیدن حرفهای جدید، زیاد باشد؛ ولو به حدی نرسد که این فقیه فتوا بدهد. ممکن است دیگری، چیزی بر آن بیفزاید؛ فتوا بدهد. لذا، بنده به فضلالی محترم و بزرگان قم، توصیه کردم که یک مجله‌ی فقهی منتشر کنید. یک مجله‌ی فقهی که فقط در آن افکار و آرای جدید فقهی مطرح شود.

البته آن بزرگان این کار را نکردند. عده‌ای از جوانان کاری در این زمینه انجام دادند که اگر چه آن کار اصلی عالی آرمانی نیست، اما شایسته‌ی تحسین و تقدیر است. به خاطر این‌که، قدمی در این راه است. اما آن کار بزرگ، هنوز هم می‌تواند انجام گیرد. اگر دو و حتی سه مجله‌ی فقهی هم در حوزه‌ی قم باشد، زیاد نیست. مجله‌ای مخصوص فلسفه باشد. یک مجله‌ی کلامی بحمدالله هست؛ منتها با تیراژ کم و غیر معروف. شاید خیلی از شما هم اسمش را نشنیده و آن را

ندیده باشید؛ اما بنده بحمدالله دیده‌ام و از کسانی که مسوول این کار هستند تشکر می‌کنم. این‌طور باید باشد تا افکار نو در علوم اسلامی، روزبه‌روز در حوزه علمی مطرح شوند؛ و اهم از همه و مقدم بر همه، فقه است.

پیام به مناسبت گردهمایی سالیانه نماز / ۱۳۷۴/۰۶/۱۲

اقامه نماز در کشوری که پرچم اسلام را بر فراز سر خویش برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر گردیده، یکی از واجب‌ترین فرائض است. زیرا همه هدفهای یک جامعه نیکبخت، از قبیل: تامین عدالت اجتماعی، دستیابی به رفاه عمومی و شکوفایی مادی، پرورش استعدادها و خلاقیتها در آحاد مردم، برخورداری از دانش و بینش و تجربه، عزت و استقلال و اقتدار ملی، گسترش اخلاق انسانی و روابط سالم میان آحاد مردم و دیگر هدفهای والا، در صورتی تامین می‌شود که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم به ویژه در کارگزاران امور کشور، تامین شود و انسانهایی پاک و برخوردار از همت و توکل و اخلاص و صبر و سختکوشی در آن جامعه باشند که به یاری این پشتوانه روحی، توانایی برداشتن بارهای سنگین را دارا باشند و در برابر موانع گوناگون و به ویژه امواج فساد و تباهی، یارای ایستادگی داشته باشند. هر چه شمار این‌گونه انسانها در جامعه و کشوری بیشتر باشد، افق آینده آن جامعه و آن کشور، روشنتر و حرکت به سوی نیکبختی در آن جامعه و آن کشور، ممکن‌تر و آسانتر خواهد بود.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۴/۰۷/۲۳

این، آن جامعه‌ای است که مادیت دارد؛ اما معنویت ندارد. اسلام نمی‌خواهد این‌طور جامعه‌ای درست کند. اسلام می‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است؛ «فلنحینه حياه» طیبه.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۴/۰۷/۲۳

گذشت آن دورانی که امریکاییها خیال می‌کردند صاحب اختیار دنیا هستند؛ نسبت به کشورهای گوناگون عالم خط و نشان می‌کشیدند و تصمیم‌گیری می‌کردند. همه‌ی اینها به برکت این است که شما ملت، این دو کار را فراموش نکنید: یکی شرکت در سازندگی کشور؛ هم سازندگی علمی - یعنی درس بخوانید، درس بگویید، تحقیق، فکر و نوآوری کنید، ابتکار کنید و راههای میانبر را پیدا کنید؛ بن‌بستها را بشکافید و جلو بروید - هم کار عملی.

بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش / ۱۳۷۵/۰۱/۲۸

در جنگ هم آن فرماندهی حزب‌اللهی، آن طور حرکت کرد. در مقام فرماندهی هم، فرماندهان حزب‌اللهی - دیروز و امروز - همیشه سعی و تلاش کردند. در سازندگی هم همین‌طور. به‌رحال ارتش، بخشی از قطع وابستگی اقتصادی را در درون خود دارد و آن، وابستگی فنی و علمی است. این‌جا فقط وابستگی اقتصادی نیست؛ وابستگی فنی هم هست؛ وابستگی علمی و فنی و به اصطلاح تکنولوژیک. باید این وابستگیها قطع شود. البته در حال قطع شدن هست، اما بیشتر از این قطع کنید. باید بسازید! باید خودتان در درون ارتش بجوشید و بجوشانید! این‌که من بر روی نوسازی و بهسازی و نگهداری و تعمیر و ابتکار در ارتش تکیه می‌کنم، به‌خاطر این است. شما ظرفیت هم دارید. نیروی هوایی ظرفیت زیادی دارد. نیروی دریایی ظرفیت زیادی دارد. نیروی زمینی ظرفیت زیادی دارد. شما در بخشهای مختلف، ظرفیت برای کار علمی، فنی و نوآوری و ابتکار، زیاد دارید. هیچ وقت هم نگویید چون فلان چیز را نخریده‌ایم، نداریم. فلان ابزار را نخریدیم، بهتر! فلان وسایل جدید را وارد نکردیم، بهتر! اگر وارد می‌کردیم که شما برای کار کردن به صورت نوسازی، عرقتان در نمی‌آمد. اگر دروازه‌ها در جاهایی به رویمان بسته است، قدر بدانید. اگر دروازه‌ها باز باشد، روح سهل‌انگاری و تبلی انسان نمی‌گذارد او به جایی برسد. انگیزه‌ی بزرگی لازم است که انسان را به تلاش در کارها وادار کند. آنها که دائما نوآوری می‌کنند، به این سبب است که روند علمی‌شان به این حرکت وادارشان کرده و بعد کار برایشان روان شده است. وانگهی، پول و استعمار دنیا را پشت سر خود دارند. امروز غریبها به وسیله علم، خودشان را بر دنیا مسلط کرده‌اند. برای آنها انگیزه وجود دارد. کشورهای از لحاظ علمی عقب نگه داشته شده هم برای پیشرفت و حرکت، باید در خود انگیزه ایجاد کنند. یکی از عوامل ایجاد انگیزه این است که راهها بسته باشد. خدا را شکر می‌کنیم که راهها کاملا باز نیست و در جاهایی بسته است.

بیانات در دیدار جمعی از زنان / ۱۳۷۶/۰۷/۲۰

اگر ما امروز بخواهیم برای زنان کشورمان، یک حرکت حقیقی و اساسی بکنیم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خودشان برسند، باید به احکام اسلامی نظر داشته باشیم و از آن الهام بگیریم. برای ما، روش را احکام اسلام معین می‌کند. هر روش خردمندانه‌ی عقلایی را هم اسلام می‌پسندد و قبول دارد. اگر تجربه‌ای در جایی باشد، مورد قبول است؛ اما تقلید نه. استفاده‌ی خردمندانه از تجربیات دیگران درست؛ اما تقلید، غلط. لذا امروز کسانی که برای حقوق زن و برای رشد و شکوفایی استعدادهای زنان در کشور ما تلاش می‌کنند - که البته هم باید این تلاش انجام بگیرد - باید بدانند چه هدفی را دنبال می‌کنند و چه شعارهایی را باید مطرح نمایند.

بیانات در دیدار جمعی از زنان / ۱۳۷۶/۰۷/۲۰

حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جوامع اسلامی و در جامعه ما حتما باید انجام گیرد؛ منتها بر مبنای اسلامی و با هدف اسلامی. یک عده نگویند که این چه نهضتی است، این چه حرکتی است؛ مگر زن در جامعه ما چه کم دارد؟ متأسفانه ممکن است بعضی این‌گونه فکر کنند. این، ظاهرینی است. زن در همه‌ی جوامع - از جمله در جامعه ما - گرفتار ستم و دچار کمبودهایی است که بر او تحمیل می‌شود؛ اما این کمبود، کمبود آزادی به معنای بی‌بندوباری نیست؛ این کمبود، کمبود میدانها و فرصتها برای علم و معرفت و تربیت و اخلاق و پیشرفت و شکوفایی استعدادهاست. این را باید تامین و جستجو کرد. این همان چیزی است که اسلام بر روی آن تکیه کرده است.

بیانات در دیدار مردم آمل / ۱۳۷۷/۰۲/۲۱

همچنان که ملت ایران در این نوزده سالوادی که تا امروز از انقلاب عظیم و شکوهمند می‌گذرد، گامهای بلندی برداشته و کارهای بزرگی انجام داده است. البته ما تا هدف نهایی، خیلی فاصله داریم و خیلی باید تلاش کنیم؛ اما به برکت آزاد شدن از جاذبه‌ی مغناطیسی غلط مضر بیمارگونه‌ی استکبار جهانی، توانستیم به خودمان بپردازیم. چقدر آثار علمی، چقدر شکوفاییها، چقدر حرکتها عظیم، چقدر حیثیت و چقدر امید در این ملت به وجود آمد! این ملت زنده شد. بایستی این راه همین‌طور ادامه پیدا کند.

بیانات در دانشگاه تربیت مدرس / ۱۳۷۷/۰۶/۱۲

یک دسته‌ی دیگر هم که به اینها ندانسته کمک می‌کنند، کسانی هستند که تا مفهوم آزادی مطرح می‌شود، فوراً مرعوب می‌شوند، احساس وحشت می‌کنند و فریاد می‌کشند که آقا! دین از دست رفت! نه؛ دین بزرگترین پیام‌آور آزادی است. چرا دین از دست برود؟! آزادی درست و آزادی معقول، مهمترین هدیه‌ی دین به یک ملت و به یک جامعه است. به برکت آزادی است که اندیشه‌ها رشد پیدا می‌کند و استعدادها شکوفا می‌شود. استعداد، ضد استعداد است. هر جا استعداد باشد، شکوفایی استعداد نیست. اسلام، شکوفایی انسانها را می‌خواهد. منابع عظیم انسانی بایستی مثل منابع طبیعی استخراج شوند، تا بتوانند دنیا را آباد کنند.

بدون آزادی مگر ممکن است؟ با امر و نهی مگر ممکن است؟ بنابراین، این فکر هم غلط است که کسانی این‌گونه فکر کنند. این دو دسته‌ی غربگرایان و احتیاط‌کنان - این‌طوری اسمشان را بگذاریم - در واقع بدون این‌که خودشان بدانند، با هم همدستی می‌کنند تا مفهوم «آزادی» را کاملا از حوزه‌ی اسلامی خارج کنند؛ در حالی که چنین چیزی نیست و مفهوم «آزادی» یک مفهوم اسلامی است.

بیانات در دانشگاه تربیت مدرس / ۱۳۷۷/۰۶/۱۲

امیدوارم که ان‌شاءالله خدای متعال توفیقی دهد، تا بتوانیم آنچه را که موجب شکوفایی این نظام و ان‌شاءالله توفیقات هرچه بیشتر این ملت بزرگ و خوب و عزیز است، در کشورمان شاهد باشیم. شما عزیزان دانشگاهی، بخصوص جوانانتان - که آینده و امیدها متعلق به شماست - در این شکوفایی و توفیقات، نقش فراوانی خواهید داشت.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد سازندگی / ۱۳۷۷/۰۷/۱۵

امام بزرگوار، جهاد سازندگی را به وجود آورد و اعلام کرد و خیل عظیم جوانان مومن و پرشور، به این حرکت انقلابی پیوستند. معلوم بود که در این تشکیلات، آنچه لازم است، کار و ابتکار است؛ کار خستگی‌ناپذیر و ابتکار و نوآوری برای نجات کشور. چه جوانهای بارزوشی، چه انسانهای پاکیزه و نورانی‌ای و چه صاحبان استعداد و فکری در این مجموعه، در سلسله خدمتگزاران درآمدند و در راههای دور، در شهرها و روستاهای دوردست، در جاهای گرم، در جاهای سرد و شرایط زیستی نامناسب، با مشکلات زیادی فعالیت کردند.

بحمدالله در این بیست سالی که از انقلاب گذشته است، این مجموعه‌ی عظیم و این سازمان بزرگ - یعنی جهاد سازندگی - یکی از بهترین امتحانها را داده است. امروز هم بحمدالله وجود شما ذی‌قیمت و مغتنم است. باید این کارها را ادامه دهید. هم باید به سازندگی شهرها و روستاها بپردازید و هم به سازندگی انسانها مشغول شوید. در درون خودتان، مدیران لایق، اشخاص برجسته، دستهای کارآمد و مغزهای فعال تربیت کنید. این کشور، هنوز سالهای متمادی به خدمات شما و به کار و تلاش مخلصانه‌تان احتیاج دارد. در این دورانی که دشمنان انقلاب، کمین گرفته‌اند تا شاید بتوانند از برخی از مشکلات اقتصادی یا تعطیل بعضی از کارها، احیاناً نقطه‌ی ضعیفی برای نظام، یا برای دولت و مسوولین دلسوز خدمتگزار درست کنند، وظیفه‌ی همه و بخصوص شماست که تلاش خودتان را مضاعف کنید تا بتوانید با کار سازنده، مشکلات مردم را کم و به پیشرفت کشور کمک نمایید.

رسالت جهاد سازندگی، همچنان باقی است. نباید تصور کرد که جهاد سازندگی، رسالت انقلابی خود و آن مسوولیتی را که در میان بسیاری از ارگانهای دیگر به او تشخیص می‌داد، از دست داده است؛ به‌هیچ‌وجه این‌گونه نیست. نکته‌ی اساسی این است که دستگاههای گوناگون در کشور، همه مشغول خدمتند. امروز بحمدالله دستگاههای دولتی بر اثر زحمات دولتمردان خدمتگزار و دلسوز، هر کدام در هر بخش، به خدمات بارزوشی سرگرمند؛ لیکن نهادهایی مثل جهاد سازندگی که از انقلاب جوشیده‌اند، چه خصوصیتی دارند؟ چگونه است که در درون این تشکیلات، ضمن این‌که ارزشهای اسلامی محفوظ است، تلاش فراوان و خدمتهای بزرگ در آن با دلسوزی انجام می‌گیرد و از لحاظ کاری هم توفیقات نوآوری این مجموعه‌ها از بقیه بخشها جلوتر و بالاتر است؟ البته بحمدالله امروز نوآوری در کشور، همه جا هست؛ اما شروع نوآوری و جرات و جسارت ورود در میدان ابتکار، نکته‌ای است که در اول، در امتثال جهاد و نهادهای انقلابی پدید آمد و بر محور آن حرکت شد. راز این همه چیست؟ راز همه‌ی این موفقیتها در بخشهای مختلف، تمسک به ایمان انقلابی است؛ ایمان به حقیقت والا و درخشانی که توانست این کشور را نجات دهد. از چه چیزی نجات دهد؟ از دوران جاهلیت تاریک دلت‌بار برای ملت ایران!

انتصاب سرتیپ ناصر آراسته به عنوان جانشین فرماندهی کل ارتش / ۱۳۷۷/۰۷/۲۲

تقویت توان رزم، ایجاد زمینه‌ی لازم برای رشد و شکوفایی نیروهای مستعد و جوان، سامان تشکیلاتی، ارتقا سطح آموزش و فعالیتها و تحقیقاتی و خودتکاپی، از جمله اموری هستند که انتظار می‌رود با تشکیل فرماندهی کل ارتش، شتاب لازم را پیدا نمایند و در انجام این مسوولیتها، نقش جانشین فرماندهی در جهت اجرای تدابیر فرماندهی، بارز و برجسته می‌گردد.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) / ۱۳۷۷/۱۱/۱۲

ما فکر می‌کنیم در این فرصت بیست ساله، برای تثبیت اصول اساسی اعتقادیمان در مورد انقلاب و نهضت بزرگمان، فرصت کافی داشته‌ایم؛ اما گاهی احساس می‌کنیم در مواردی که امکان مانور بیشتر و بروز خلاقیتها و نوآوریها و نگاههای جدید به موضوع را داریم، آن‌جاها باید کشف گردد و اعمال نظر شود. مثلا حضرت امام در مورد موسیقی و شطرنج، نظریات متفاوتی دارند که اصلا انقلابی در این دو موضوع جدی پیش آورد و در مورد جوانان هم یک گشایش خیلی بزرگی بود. من که شهید رجایی را به‌عنوان یکی از اسوه‌های بزرگ تقوا و اخلاص و ایمان می‌شناسم، عکسی از ایشان دیدم که در اوج سالهای آغازین انقلاب، با پیراهن آستین‌کوتاه خدمت امام نشسته بود و صحبت می‌کرد. عرض من این است که شما به‌عنوان رهبر دینی و به‌عنوان بزرگ میلیاردها انسان، فکر می‌کنید پس از تثبیت آن اصول اساسی، ما در چه بخشهایی می‌توانیم اجازه‌ی نوجویی و نوگرایی بدهیم و جوانان براساس روحیه‌شان تحولات را تجربه کنند و دستشان بازتر باشد و خدای نکرده در چارچوبهای بسیار خشک قرار نگیرند و عمل نکنند؟

بسیار خوب. من بیشتر آنچه را که شما گفتید قبول دارم. اولاً این‌که می‌گویید «جوانان در کجا اجازه دارند نوآوری کنند؟» باید بگوییم نوآوری اصلا چیزی نیست که اجازه لازم داشته باشد و کسی که می‌خواهد نوآوری کند، نباید از کسی اجازه بگیرد. اگر میدانی وجود داشت، این نوآوری و خلاقیت به‌وجود خواهد آمد. من معتقدم نوآوری باید در همه‌ی زمینه‌ها انجام گیرد. معنای نوآوری این نیست که ما اصول پذیرفته شده‌ی منطقی و عقلانی خودمان را زیر سوال ببریم. معنای نوآوری، پیشرفت و تکامل در اموری است که رو به تکامل هستند. مثلا عدالت چیز خوبی است. کسی که بخواهد نوآوری کند، شیوه‌ی خوبی را برای تأمین عدالت پیدا می‌کند؛ اما در خوبی عدالت شک نمی‌کند. محبت به پدر و مادر و محبت به فرزند، یک امر طبیعی است؛ ممکن است کسی برای آن شیوه‌ای پیدا کند که تاکنون وجود نداشته است؛ اما در اصل این اصول کسی شک نمی‌کند. بنابراین، وقتی شما به نوآوری اشاره می‌کنید و می‌گویید جوان می‌خواهد نوآوری کند، لزوماً به آن معنی نیست که نوآوری شامل نوآوریهای غیرمنطقی و نامعقول هم می‌شود. بنابراین، نوآوری درست مورد نظر است.

بنده کاملاً موافق هستم که باید نوآوری شود؛ لیکن این‌که می‌گویید جامعه‌ی ما نمی‌پسندد، من این را نمی‌توانم خیلی از شما قبول کنم. حالا یا شما چون جوان هستید و داخل خانواده‌ی خودتان یا جای دیگر قرار دارید، خبری دارید که من ندارم؛ یا من چون تجربه‌ی بیشتر و اطلاعات زیادتری دارم، چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید؛ به‌هرحال یکی از این دوناست. من گمان می‌کنم که جامعه‌ی ما، جامعه‌ای است که نوآوری را اصلاً تربیت و استقبال می‌کند. یک نمونه‌اش همین است که شما در مورد حضرت امام اشاره کردید. امام بزرگوار یک مرد کهنسال هشتاد ساله بودند که در اواخر عمرشان این دو فتوایی را که شما می‌گویید، صادر کردند. اینها نشان‌دهنده‌ی آن است که جامعه‌ی ما اصلاً جامعه‌ای است که با پدیده‌های نو و معقول و منطقی، کاملاً همساز و همخوان است.

خانواده‌های ما نیز همین‌طورند. البته ممکن است خانواده‌ها با بعضی از «از حد خارج شدنهای جوانان» مقابله کنند که این هم منطقی است. نباید هم از پدران و مادران انتظار داشته باشید که به جوانشان اصلاً تذکر ندهند. هر جوانی به کمک فکری پدر و مادر خود احتیاج دارد. نباید تصور کرد که کمکهای فکری پدر و مادر و بکن

نکن‌های پدران و مادران و مشفقانه، جلو نوآوری جوان را می‌گیرد؛ نه، این طور نیست. من گمان نمی‌کنم آن‌جایی که نوآوری معقول و منطقی و صحیحی باشد، پدر و مادر یا بخصوص جامعه ما در مقابل آن بایستند؛ نه. امروز اصلاً تشویق به نوآوری، جزو شعارهای مکرر این جامعه و این نظام است. ما نوآوری را دوست می‌داریم؛ منتها همان‌طور که شما هم در صحبت‌هایتان کاملاً توجه داشتید و به آن اشاره کردید و من هم تصریح کردم، نوآوری بایستی به نوآوری‌های غیرمنطقی و گاهی نابخردانه منتهی نشود؛ یعنی انسان با هر چه که از نسل قبل است، یا قدیمی است، به صرف این‌که من می‌خواهم نوآوری کنم، مبارزه نکند. این اصلاً منطقی نیست؛ این را عقل نمی‌پذیرد. نوآوری، یعنی در آن میدان‌هایی که حرکت تکاملی وجود دارد، بایستی ما آن را پیش ببریم. بنابراین، از جوانان این انتظار هست که نوآوری و خلاقیت کنند.

البته ورزش‌های بومی ما - ورزش‌هایی که مربوط به سابقه و فرهنگ گذشته‌ی ماست - متأسفانه مهجور است و دست خود ما نیست. خیلی از ورزش‌ها در کشور ما مهجور است و من در آن دیدار از آنها اسم آوردم. چوگان که جزو ورزش‌های قدیمی ماست؛ بعضی از این ورزش‌های زورخانه‌ای هم، ورزش‌های خیلی خوبی است. اینها می‌تواند در دنیا مطرح شود. اصلاً ما می‌توانیم ورزش‌هایی را در دنیا ابداع کنیم. یک روز فوتبال در دنیا نبود؛ اما آن را به‌وجود آوردند. یک روز بسکتبال در دنیا نبود؛ اما آن را به‌وجود آوردند. بنابراین چرا ورزشکاران ایرانی و صاحب‌نظران ایرانی در ورزش، نوآوری نکنند؟ الان صحبت نوآوری بود؛ یکی از میدان‌های نوآوری، ورزش است. نوآوری کنند، کارهای جدید بکنند؛ هم در مسائل ورزشی، هم در خود ورزش.

در ورزش همگانی هم باید گام‌های اساسی برداریم. چون این صحبت‌ها را جوانان و عموم مردم خواهند شنید، من واقعا همه را به ورزش سفارش می‌کنم. بنده گاهی صبح‌ها به ارتفاعات شمال تهران می‌روم و از این‌که بعضی وقتها می‌بینم آن‌جا خلوت است، واقعا غصه‌ام می‌شود. گاهی اوقات هم اتفاق می‌افتد که جمعه‌ها وقت شلوغی می‌روم و می‌بینم که جمعیت زیاد است، خوشحال می‌شوم. معتقدم که خدای متعال یک وسیله مفت و مجانی برای ورزش تهرانیها در این ارتفاعات البرز قرار داده است؛ ولی اکثراً استفاده نمی‌کنند. این ارتفاعات البرز را نه برایش پول داده‌ایم و نه کاری کرده‌ایم؛ پس برویم از این موهبت خدادادی استفاده کنیم. این ورزش است، این حرکت است؛ تحرک در سطح باز و هوای آزاد. تقریباً همه‌ی شهرهای کشور این امکانات مجانی را دارند. امکانات، لزوماً تشک کشتی یا میدان و زمین چمن فوتبال و امثال اینها نیست - البته آن هم جزو امکانات است و باید حتماً داشت و اگر نداریم به فکرش باشیم - اما آنچه که ورزش عمومی و همگانی احتیاج دارد، همت ما و وجود فضایی است که بشود به این شکل در آن ورزش کرد و این خوشبختانه کم و بیش در همه جا هست. من همه را به ورزش توصیه می‌کنم. پهلوانان و قهرمانان و متخصصان و فنانون ورزش را به نوآوری، به جدیت و کوشش در کسب مهارت‌های بیشتر و قدرت بدنی بیشتر، برای این‌که در میدان‌های بین‌المللی پیش بروند، توصیه می‌کنم. کسانی را هم که مسوولان این مجموعه‌های ورزشی هستند، توصیه می‌کنم به این‌که هرچه می‌توانند، برای ورزشکاران امکان فراهم کنند که این کارها انجام گیرد.

پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی / ۱۳۷۷/۱۱/۲۱

امروز تهمت دیکتاتوری به جمهوری اسلامی می‌زنند، کسانی‌که با ویران کردن و غارت منابع کشور و تحمیل صنعت معیوب و ناقص و وابسته، دهها سال ایران را از کاروان جهانی عقب راندند، امروز شکوفائیها و معجزه‌های سازندگی انقلاب را ندیده می‌گیرند، کسانی‌که هنوز در آرزوی رجعت ایران به دوران سیاه و نکبت بار پادشاهی‌اند، نظام نوین و تازه نفس و جوان انقلابی را مرتجع می‌نامند!

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی / ۱۳۷۷/۱۲/۰۴

برزیل امروز هفتمین یا هشتمین قدرت اقتصادی دنیاست؛ اما در آن‌جا چند میلیون کودک وجود دارد که اینها نه پدر و مادر دارند، نه سرپناه دارند، نه مسکن دارند؛ شبها در کوچه‌ها می‌خوابند، در کوچه‌ها هم پرورش پیدا می‌کنند، در همان کوچه‌ها هم یا کشته می‌شوند و یا می‌میرند! ما نباید دنبال این زندگی برویم. ما نباید دنبال این اقتصاد برویم. شکوفائی اقتصاد معنایش این نیست. شکوفائی اقتصاد این است که به دولت امکان بدهد تا فقر را از میان جامعه بردارد؛ این اقتصاد خوب است. ما بایستی نه فقر یک گروه خاصی را، بلکه فقر عمومی را از بین ببریم. اقتصاد، اقتصاد اسلامی است و همین بایستی تحقق پیدا کند.

بیانات در دانشگاه دریایی امام خمینی(ره) و دانشگاه دریایی سپاه / ۱۳۷۸/۰۲/۲۹

تقوا در زندگی امام بزرگوار ما صرفاً به معنای انجام کارهای عبادی نبود؛ تقوا در همه‌ی امور بود. تقوا یعنی مراقب درستی کار و عمل؛ بخصوص در آن‌جایی که به مسائل مهم ارتباط می‌یابد. درس و معاشرت و حضور در مرکز تحصیلی و حضور در میان جامعه و خانواده و محیط‌های زندگی هم مظهر تقواست. در همه‌ی اینها شما به عنوان یک جوان برگزیده - که برای یکی از مهمترین کارهای این کشور انتخاب و پذیرفته شده‌اید - باید آن را در مقابل خودتان قرار دهید. تقوا یعنی مراقبت از رفتار و گفتار، با همان روحیه نوآوری و ابتکار و فعال بودن و نشاط جوانی. وقتی تقوا با روحیه جوانی و به کار بردن استعدادهایی که در شما وجود دارد، همراه شود، معجزه‌ها خواهد آفرید.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم / ۱۳۷۸/۰۲/۳۰

توجه به پرورش و شکوفائی استعدادها، تشویق خلاقیت و نوآوری علمی، و تقویت امر پژوهش، و بالابردن توان علمی و فناوری کشور.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم / ۱۳۷۸/۰۲/۳۰

توجه به پرورش و شکوفائی استعدادها، تشویق خلاقیت و نوآوری علمی، و تقویت امر پژوهش، و بالابردن توان علمی و فناوری کشور.

بیانات در پی حادثه کوی دانشگاه تهران در سال ۷۸ / ۱۳۷۸/۰۴/۲۱

جوانان عزیز! شما امیدهای انقلاب و اسلامید. رفتار شما می‌تواند این مملکت را در جهت شکوفائی، با سرعت به پیش ببرد. وقتی جوان مملکت هوشیارانه، با تدبیر، با حلم و با توجه به موقعیتها، حرف بزند و تصمیم بگیرد و عمل کند، کشور گلستان خواهد شد.

پیام به کنگره بزرگداشت محققان، آقا حسین، آقا جمال و آقا رضی خوانساری / ۱۳۷۸/۰۶/۲۹

حقیقت آن است که در بخش‌هایی از تاریخ پر بار فرهنگ و علوم اسلامی، شخصیت‌های بزرگ و موثری بوده‌اند که نسل کنونی علمی و فرهنگی کشور با نام و یاد آنان آشنا نیست و از آثار علمی و ثمرات اندیشه‌ی بلند آنان بهره‌ی شایسته را نمی‌برد. حوزه‌های علمی شیعه چه در دوران رونق حوزه‌ی علمیه نجف و کربلا و چه پیش از آن در روزگار شکوفائی علمی و فرهنگی اصفهان و برخی شهرهای دیگر در دوران صفویه، مجموعه‌ی بزرگی از فقهای نامدار و فیلسوفان و متکلمین بزرگ را در خود پرورش داده است که هر یک از آنان می‌توانند برای جامعه‌ی علمی امروز و بخصوص فرزندان و علم جوانان حوزه‌های علمیه، الگو و راهگشا و آموزنده باشند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۷/۰۹

او روشن‌بین و روشنفکر و نوآور در مباحث دینی بود؛ اما نوآوری دور از لاقیدیهای نوآوران. خیلیها در زمینه‌ی مسائل دینی، سخن نوپی را به میدان می‌آورند؛ اما این سخن نو، نشانه‌ی لاقیدی و لابی‌گیری آنها در وفاداری به متون اسلامی است؛ سخن آنهاست، نه سخن دین! روشن‌بینی و نوآوری امام، متکی به دین و مبانی

دینی بود؛ لذا آنچه را که در زمینه مسائل اعتقادی و اخلاقی و فقهی اسلام عرضه کرد و نو بود، آنچنان بود که متبحرترین و واردترین کسانی که در این علوم و دانشها ورود داشتند، در مقابل آن اظهار تسلیم کردند و آن را به عنوان یک سخن بانیاد پذیرفتند؛ نه به عنوان سخنی که متکی به مبانی و اصول نیست.

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۷۸/۰۷/۱۹

قرن چهارم هجری، قرن اوج شکوفایی تمدن اسلامی است. اگر کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم» را مطالعه کنید، خواهید دید که در قرن چهارم هجری - یعنی همان قرن یازدهم میلادی؛ یعنی اوج ظلمت جهل در اروپا که هیچ چیز نبوده - اوج شکوفایی اسلامی مربوط به ایران است. دانشمندانی هم که هستند - جز تعداد خیلی معدودی - تقریباً همه ایرانی‌اند؛ در حالی که دین و دینداری در همان اوقات در ایران از اروپا کمتر که نبود، خیلی بیشتر هم بود. پس، این دین نیست که مانع علم است؛ یک چیز دیگر و یک هویت دیگری است که مانع از پیشرفت علمی می‌شود.

بیانات در دیدار اعضای هیات علمی کنگره امام خمینی(ره) / ۱۳۷۸/۱۱/۰۲

اساس حکومت اسلامی یک حرف نو در دنیا بود. واقعا در این قضیه، انقلاب نوآوری‌ای کرد که حریفها مات شدند. این به هیچ‌وجه شبیه بعضی چیزهایی که بعدا تشبیه می‌کردند، نبود؛ اصلا شباهتی با نظایر خودش نداشت. چیزی که در قانون اساسی و در کلمات امام و در عرف انقلاب به عنوان حکومت ولایت فقیه مطرح است، یک حرف کاملا نو در دنیاست. البته ممکن است گفته شود «ولایت فقیه» یک تعبیر عربی و آخوندی و طلبگی و کتابی است؛ در حالی که این مفهوم، بسیار نو و جدید است و معنای آن این است که ما در راس حکومت کسی را قرار دهیم که می‌دانیم تخلف نخواهد کرد. این چیز خیلی مهمی است. شما الان می‌بینید گرفتاریهای دنیا از کجاست. ما می‌خواهیم کسی را در راس حکومت بگذاریم که می‌دانیم تخلف نمی‌کند. ممکن است ما اشتباه کرده باشیم و او تخلف کند. از هر وقت فهمیدیم تخلف کرده، می‌فهمیم حضور او در این منصب بجا نیست؛ خودش و مردم هم این را قبول دارند. این نکته‌ی خیلی بدیعی در مبنای حکومت در دنیاست.

البته جنجال کردند و گفتند این فکر، قدیمی و ارتجاعی است. در همان زمانی که انقلاب پیروز شد، شاید بیش از دهها حکومت کودتایی در دنیا بود که افسری با چکمه و تفنگ آمده بود و حکومت را برای خودش گرفته بود؛ اما همه‌ی آن حکومتها مقبول و به رسمیت شناخته شده بودند و کسی با آنها حرفی نداشت؛ ولی با این حکومت و با امام و با این حرکت عظیم حرف داشتند! علت این است که حرف نویی در دنیا زده شد که قدرت هموردی با معیارها و فرهنگ سیاسی رایج دنیا را داشت. زور این کار حتما از زور مارکسیسم و حکومت کمونیستی در اول کار، بیشتر بود. البته بعد از ده، بیست سال، به خاطر تبلیغات و کارهایی که مارکسیسم کرد و جاذبه‌هایی که نشان داد، اوج گرفت؛ لیکن در آغاز کار، بلاشک زور و اقتدار این بیشتر از آن بود. چرا؟ به خاطر این‌که ناگهان در سطح دنیا، همه‌ی کشورهای که داخل آنها مسلمان زندگی می‌کرد، احساس هویت و شخصیت و احساس قبول و طوع نسبت به آن کردند. این برای آنها خیلی وحشت‌آور بود. این نکته را عرض می‌کردم که انقلاب حرف نویی زد و آن، حکومت اسلامی بود. این حرف نو، همیشه هم نو نمی‌ماند؛ این را ما باید قبول کنیم. ممکن است از اول نقصهایی داشته باشد؛ ممکن است در خلال، دچار ضعفها و نقصها و کج‌فهمیهای شود؛ در این تردیدی نیست. فکرهای صحیح و قوی باید به‌طور دائم کار کنند و این حرف نو را در جهت خود تکمیل نمایند و بدون این‌که به پایه‌ی آن ضربه‌ای بزنند و اساس آن را نفی کنند، نواقص آن را به‌طور مرتب برطرف سازند؛ یعنی بلاشک نوآوری لازم است. چیزی که ظرافت کار شما را مضاعف می‌کند و قبلا به آن اشاره کردم، این است که باید توجه کرد در این نوآوریها، تلقین‌پذیری از فرهنگ بیگانه - همان فرهنگی که درصدد سلطه است - نقش نداشته باشد. امروز خرجهایی می‌شود برای این‌که تفکر حکومت غربی - به معنای اروپایی آن - در دنیا جهانگیر و همه‌گیر شود. دروغ می‌گویند؛ با فیلم و تبلیغات و روشهای گوناگون، چیزهایی را که حقیقت نیست، برای بزرگنمایی و زیبانه‌نمایی و ظاهرسازی، به عنوان حقیقت در دنیا منعکس می‌کنند تا افکار را جذب کنند. موثرترین کاری که مراکز قدرت اقتصادی و سیاسی می‌توانند بکنند، همین است. اینها در ذهنهای ما هم منعکس می‌شود؛ ولی ما باید توجه کنیم تاثیرپذیری نداشته باشیم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۲۲

اگر اصلاحات، پیشرفت و نوآوری براساس ارزشهای انقلاب نباشد، جامعه دچار ناکامی خواهد شد. این، آن اصول اساسی است. به ارزشها توجه کنیم؛ در ارزشها تبعیض قائل نشویم، در چارچوب ارزشها تحول و حرکت به جلو را با جدیت تمام دنبال کنیم.

البته به‌طور طبیعی در جامعه کسانی هستند که به بعضی از این سه رکن توجه می‌کنند، اما به بعضی دیگر توجه نمی‌کنند.

بعضی افراد هستند به ارزشها توجه می‌کنند، اما به پیشرفت و تحول توجه پیدا نمی‌کنند. بعضی هم بعکس، به تحول و پیشرفت توجه پیدا می‌کنند - از تغییر و نوآوری صحبت می‌کنند - اما به رعایت ارزشها توجه لازم را نمی‌کنند. نه این‌که قبول ندارند - قبول هم دارند - اما مساله‌ی اولشان، مساله‌ی ارزشها نمی‌شود؛ مساله‌ی پیشرفت و تغییر و تحول می‌شود. یک عده هم بعکس، نه این‌که به تحول عقیده نداشته باشند، اما مساله‌ی اولشان حفظ ارزشهاست. در زمینه‌ی ارزشها، یکی به مساله‌ی تدین و ایمان مردم بیشتر توجه پیدا می‌کند؛ یکی به مساله‌ی استقلال کشور از کمند تصرف قدرتها بیشتر توجه می‌کند؛ یکی به مساله‌ی آزادی توجه بیشتری پیدا می‌کند؛ یکی به مساله‌ی اخلاق توجه بیشتری پیدا می‌کند. البته این امری طبیعی است که اشکالی هم ندارد. بهترش این است که همه به همه‌ی اجزا توجه کنند؛ اما اگر یک عده به یک بخش توجه پیدا کردند، یک عده به یک بخش دیگر توجه پیدا کردند؛ بسیار خوب، اینها می‌توانند مکمل هم باشند. کسانی که در جامعه به ارزشها اهمیت می‌دهند، اینها مکمل کسانی هستند که به تحول و پیشرفت اهمیت می‌دهند. کسانی که به تحول و پیشرفت اهمیت می‌دهند، مکمل کسانی شوند که به ارزشها توجه پیدا می‌کنند.

البته اختلاف به وجود می‌آید، اما این اختلاف مهم نیست. ممکن است کسانی که به ارزشها بیشتر توجه دارند، به کسانی که به تحول بیشتر توجه دارند، بتازند که شما به ارزشها بی‌اعتنایی و بی‌احترامی می‌کنید؛ یا آن کسانی که به تحول اهمیت بیشتری می‌دهند، به کسانی که به تحول کمتر توجه می‌کنند، ولی به ارزشها توجه بیشتری می‌کنند، بگویند شما به پیشرفت و ترقی و به جلو رفتن اعتنایی ندارید و ایستایی را ترویج می‌کنید. اینها در جامعه هست و یا ممکن است پیش بیاید؛ اما اشکالی ندارد و مهم نیست. باید همدیگر را تحمل و قبول کنند. وقتی که اساس را - که ارزشها و حرکت در چارچوب این ارزشهاست - همه به‌طور کلی قبول دارند، این‌که حالا یک عده کمتر به یک بخش توجه می‌کنند و بیشتر به بخش دیگر توجه می‌کنند، چندان اهمیتی پیدا نمی‌کند. دعوا نباید بشود.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

سیر تعالی و تکاملی انسان در خلا نیست؛ با استفاده‌ی از استعدادهای ماده است؛ بنابراین با هم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر می‌گذارد، او در شکوفایی این اثر می‌گذارد و پیشرفتهای شگفت‌آور را به وجود می‌آورد.

پیام تجلیل از شهیدان و ایثارگران انقلاب اسلامی / ۱۳۷۹/۱۱/۱۲

عزت و استقلال امروز کشور و حرکت آن به سوی شکوفایی و کمال یکسره باید مرهون خون شهیدان شمرده شود. فداکاری این جوانمردان نامدار زمانه گوهر فروزانی بود که توانست قدر شخصیت امام و عظمت امت را بر جهانیان آشکار کند و به مجاهدت ملت ایران معنا بخشد.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه‌ی آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه‌ی مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه‌ی اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نو اندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم است. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرات علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره‌ی علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره‌ی انباشته‌ی علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی‌رساند. بنابراین جرات علمی لازم است.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

برای مقابله با کار آنها، علم لازم است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرات نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره‌ی جزمیگری تعریفهای علمی الفا شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

البته اشتباه نشود؛ من کسی را به انارشیزم علمی و به مهمل‌گویی علمی توصیه نمی‌کنم. در هر زمینه‌ای، کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری کنند، به مهمل‌گویی می‌افتند. ما در زمینه‌ی برخی از علوم انسانی و معارف دینی این را می‌بینیم. آدمهای ناوارد بدون این‌که از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند؛ که در واقع نوآوری نیست، مهمل‌گویی است. بنابراین در زمینه‌ی مسائل علمی، من این را توصیه نمی‌کنم. باید فراگرفت؛ اما نباید صرفاً مصرف‌کننده‌ی فرآورده‌های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند. خوشبختانه من این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می‌بینم. اینها باید دست به دست هم بدهد و سطح علمی کشور را بالا ببرد. آن وقتی که علم با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه‌های بزرگی می‌کند و کشور ما می‌تواند در انتظار این معجزه‌ها بماند.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

دانشگاه مجذوب غرب بود و نمی‌خواست نوآوری کند. نه این‌که استاد و دانشجو میل به این معنا نداشتند؛ فرهنگ غالب بر دانشگاه، این فرهنگ نبود. فرهنگ وابستگی بود که رژیم شاه هم آن را به شدت ترویج می‌کرد. کسانی هم که در داخل دانشگاه داعیه‌ی روشنفکری داشتند، روشنفکران مردمی نبودند؛ روشنفکرهای کافه‌ای و بریده‌ی از مردم بودند!

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

ما استعداد داریم، ما تاریخ داریم، ما در قرن چهارم هجری - یعنی قرن دهم میلادی - دوران شکوفایی داشتیم. می‌دانید که قرن دهم میلادی، تقریباً قرن آغاز قرون وسطای معروف اروپاست که شش، هفت قرن هم طول کشیده است. البته قرون وسطی از قرن دهم هم شروع نشده است - قبل از آن شروع شده بود - اما قرن دهم اوج تاریکی اروپاست. می‌دانید قرن دهم میلادی و قرن چهارم هجری در ایران شما و در محیط اسلامی چه خبر بود؟ قرن چهارم هجری، قرن شکوفایی علم و فلسفه در کشور شما و در دنیای اسلام است؛ قرن ابن‌سینا؛ قرن فارابی؛ قرن رازی؛ قرن حکمای بزرگ الهی؛ قرن شخصیت‌هایی که بعضی از آثار علمی آنها دنیا را تا همین روزهایی که من و شما زندگی می‌کنیم، هنوز در تسخیر خود دارد. امروز ایران بلاشک از دورانی که ابن‌سینا و فارابی و خوارزمی و رازی و شیخ طوسی و سایر دانشمندان را پروراند، برای پرورش چنین شخصیت‌های بزرگی به مراتب آماده‌تر است. چرا نمی‌خواهند بگذارند؟ اگر آنها نمی‌خواهند بگذارند، چرا من و شما تسلیم شویم؟ چرا من و شما طبق میل آنها عمل کنیم؟ چرا باید جوان یا سیاستمدار یا فرهنگی ایرانی درست همان کاری را بکنند که طراحان سیاسی آمریکا و صهیونیستها و دیگران برای تسلط مجدد خودشان بر ایران به آن احتیاج دارند؟! این ننگ است! هیچ کس هم نفهمد، در دل خودمان ننگ است.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۹/۱۲/۱۲

هر مسلمانی در هر بخشی از عالم اسلام، در موسم حج، یک بار دیگر باید این حقیقت را بشناسد که شکوفایی و سربلندی و کامیابی همه جانبه‌ی کشورهای اسلامی تنها در سایه‌ی این دو به دست خواهد آمد: توحید با همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی و سیاسی آن، و وحدت با مفهوم درست و قابل تحقق آن در دنیای امروز.

پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۰ / ۱۳۸۰/۰۱/۰۱

در سایه‌ی اقتدار ملی است که مردم می‌توانند به قدر استعدادشان و با شکوفایی این استعدادها، تلاش خودشان را می‌ذول کنند. هر سه قوه باید تلاش کنند تا با حدیث و پشتکار و توکل به خدا و اعتماد به مردم و همکاری با یکدیگر، اقتدار ملی را تجلی بخشند و مظهر اقتدار ملی شوند.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۰/۰۱/۰۱

در سایه‌ی اقتدار ملی است که مردم می‌توانند به قدر استعدادشان و با شکوفایی این استعدادها، تلاش خودشان را می‌ذول کنند.

بیانات در مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری سال ۸۰ / ۱۳۸۰/۰۵/۱۱

شما به واقعیت‌های کاری خودتان نگاه کنید و با حدیث و تکیه بر بیناتی که قانون اساسی برای ما معین کرده است - که به احکام اسلامی و مقررات اسلامی متکی است - در زمینه‌های پولی و مالی و تولیدی و خدماتی و همه‌ی آن چیزهایی که به اقتصاد مردم وابسته است، نوآوری و تلاش کنید. خدای متعال به این تلاش برکت خواهد داد.

بیانات در دیدار مردم اصفهان / ۱۳۸۰/۰۸/۰۸

به اسلام تمسک کنید و اتحاد و روحیه‌ی خود را حفظ نمایید و بدانید به فضل پروردگار آینده متعلق به شما ملت ایران است و شما جوانان روزهای شکوفایی و عزتی را خواهید دید که برای نسل‌های گذشته‌تان حتی در رویا هم قابل تصور نبود.

بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۰/۱۲/۱۲

اگر جمهوری اسلامی بتواند مسائل زندگی و مسائل مادی و گره‌های گوناگون را - که در هر کشوری کم و بیش وجود دارد - برطرف و باز کند و به زندگی مردم رونق

و شکوفایی بخشد، آنگاه مسلمانها گرم و گیراتر به سمت این الگو حرکت می‌کنند. لذا مرتب مانع ایجاد می‌کنند.

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۸۱/۰۷/۰۲

علم، مولدها و عناصر به وجودآورندهی خاص خود را دارد؛ باید آنها را پیدا کرد. فرهنگ بی‌بندوباری، بی‌دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادپرستی و ارزشهای مادی، فرهنگهای غلطی است که امروز غرب دچار اینهاست. اگر آن مردم، پارسا و صالح و نیکوکار و کرامت‌نا به زخارف دنیا بودند، این دانش برای دنیا مفید می‌شد؛ همچنان که در دوره‌ی شکوفایی اسلامی در قرن چهارم و پنجم و ششم هجری، برجستگان علمی‌ای به وجود آمدند و دانش را به اوج قله‌ی آن روز رساندند و به‌هیچ‌وجه فرهنگی که امروز در غرب رایج است - فرهنگ بی‌بندوباری و بی‌دینی و امثال اینها - بر آنها حاکم نبود؛ مثل ابن‌سیناها، محمدبن‌زکریای رازیها، خوارزمیها و دیگران. اینها در فرهنگی مثل فرهنگ غرب رشد نکردند؛ همچنان که دانشمندان بزرگ غرب و کسانی که دانش غرب را پایه‌گذاری کردند، هرگز در چنین فرهنگی رشد نکردند. بنابراین پیشروی و برتری علمی غرب را به‌هیچ‌وجه به معنای برتری فرهنگ غرب ندانید.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۸۱/۰۹/۰۷

علی‌رغم همه‌ی این مشکلات، شور و شوق علمی و شکوفایی استعدادها در دانشگاه‌های ما محسوس است؛ این را ما نمی‌توانیم ندیده بگیریم و همه‌اش آیه‌ی یاس بخوانیم.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم / ۱۳۸۱/۱۱/۰۸

جمهوری اسلامی آزادی را به معنای حقیقی کلمه وارد جامعه‌ی ما کرد؛ اما استفاده از آزادی ادبی دارد. ما ادب استفاده از آزادی را هم باید یاد بگیریم و یاد بدهیم. این هم وظیفه‌ی جمهوری اسلامی است. عده‌ای به نام آزاداندیشی مرزهای فضیلت و حقیقت را لگدکوب کرده‌اند و به نام آزاداندیشی و نوآوری، همه‌ی اصول مقدس حقیقی را نادیده گرفته یا تحقیر و یا مسخره کرده‌اند. یک عده هم به‌صورت عکس‌العملی یا به‌خاطر مسائل دیگری که در ذهنشان بود، به پایه‌هایی جسبیدند که باید بر روی آن پایه‌ها نوآوری می‌شد. نیابستی به آنچه که گفته شده، اکتفا کرد و متحجر شد؛ یعنی تحجر در مقابل مرز شکنی و افراط در مقابل تفریط. همچنان که بعضی در محیط سیاسی، فاصله‌ی بین هرج و مرج و دیکتاتوری را اصلاً قبول ندارند و معتقدند که در جامعه یا باید هرج و مرج باشد یا دیکتاتوری! کانه از این دو خارج نیست. در عرصه‌ی فرهنگی هم همین‌طور: یا باید هرج و مرج و کفرگویی و اهانت به همه‌ی مقدسات و ارزشهای مسلم و مستدل شود و یا باید ذهنها بسته شود و تاکسی حرف تازه‌ای زد، فوراً همه او را هو کنند و علیه او جنجال نمایند! کانه هیچ حد وسطی بین این دو وجود ندارد. ما باید آن حد وسط، همان «امر بین الامرین» و تعادل را پیدا کنیم. البته این هم از راه گفتگوی محترمانه، عاقلانه، منصفانه و با استدلال، عملی است. این کار هم باید در حوزه و در زمینه‌ی مسائل حوزه، در زمینه‌ی فقه، فلسفه، کلام و دیگر علوم رایج حوزه انجام گیرد و هم در دانشگاه.

پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی / ۱۳۸۱/۱۱/۱۶

فرزندان و برادران عزیز

با همه مضمون نامه شما موافقم و از شما و همفکرانتان در حوزه و دانشگاه می‌خواهم که این ایده‌ها را تا لحظه عملی‌شدن و ثمر دادن، هر چند دراز مدت، تعقیب کنید. نه مایوس و نه شتابزده، اما باید این راه را که راه شکوفائی و خلاقیت است به هر قیمت پیمود. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار نشاند و همین که این عزم و بیداری و خودآگاهی در نسل دوم حوزه و دانشگاه نیز بیدار شده است، همین که این نسل از افراط و تفریط، رنج می‌برد و راه ترقی و تکامل را نه در «جمود و تحجر» و نه در «خودباختگی و تقلید»، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی می‌داند و می‌خواهد که شجاعت نظریه‌پردازی و مناظره در ضمن وفاداری به اصول و اخلاق و منطق در حوزه و دانشگاه، بیدار شود و اراده کرده است که سوالات و شبها را بی‌پاسخ نگذارد، خود، فی‌نفسه یک پیروزی و دستاورد است و باید آن را گرامی داشت.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

جنبش تولید علم - که بنده دو سه سال است آن را در دانشگاهها تکرار می‌کنم - ناظر به این قضیه است. تولید علم یعنی رفتن از راههایی که به نظر، راههای نارفته‌ای است. البته این به آن معنا نیست که ما راههایی را که دیگران رفته‌اند، ترویم و به تجربه‌های دیگران بی‌اعتنایی کنیم؛ بلکه به این معناست که به فکر باشیم. در این دنیا عظیم و در این طبیعت بزرگ، ناشناخته‌های فراوانی وجود دارد که دانش پیشرفته‌ی امروز هنوز به آنها دست نیافته است. ناشناخته‌ها بسیار فراوان است و به گمان زیاد به‌مراتب بیشتر از چیزهایی است که بشر تاکنون به آنها دست یافته است. باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم. باید همان استعدادی را که گفته شد و بنده هم می‌دانم مغز و فکر ایرانی آن را دارد، به‌کار بیندازیم. راههای میانبر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم، بیمناک نباشیم. این حرکت باید در دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقاتی ما به صورت انگیزه‌ای عام، امری مقدس و یک عبادت تلقی شود. همه‌ی رشته‌های علوم باید به این صورت درآید. ما باید این جرات را داشته باشیم که فکر کنیم می‌توانیم نوآوری کنیم.

پیام به مناسبت برگزاری همایش حقوق محیط زیست ایران / ۱۳۸۲/۰۲/۲۰

نگاه اسلام به طبیعت و محیط - اعم از جاندار و بیجان - عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت‌گراانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه‌ی اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف تعالی اسلام برخوردار ساختن همه‌ی نسلها از نعمتهای الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و بدور از فاصله‌ی طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفائی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده‌روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

گاهی اوقات از این‌که درهای دنیا به روی ما بسته باشد، خیلی ناراحت می‌شویم؛ اما همین موجب می‌شود که ما به خودمان بپردازیم و از استعداد خودمان استفاده کنیم و این رشدها و شکوفاییها به‌وجود آید. کارشناسان، داخلی؛ کنندگان اصلی، داخلی. البته از دانش جهانی تا آنجایی که توانسته‌ایم، استفاده کرده‌ایم؛ چون دانش جهانی متعلق به همه‌ی انسانهاست؛ دانش ما هم متعلق به همه‌ی انسانهاست. یک روز دنیا اسلام به همه‌ی دنیا خدمت کرد؛ امروز هم ما از دانش جهانی استفاده می‌کنیم. در دوران انقلاب، ما با تحریم و جنگ و مشکلات گوناگون و کارشکنیها مواجه بوده‌ایم؛ اما به فضل پروردگار این موفقیتها در نظام اسلامی به دست آمده و جزو افتخارات نظام اسلامی است.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۸۲/۰۸/۰۸

مسئله‌ی تولید علم فقط مربوط به علوم پایه، تجربی و ... نیست، بلکه شامل همه‌ی علوم و از جمله علوم انسانی است. ما بخصوص در زمینه‌ی علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه‌ی اقتصاد و چه در زمینه‌های

جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی منزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به‌صورت فرمولهای تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن می‌خواهیم عمل و برنامه‌ی خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمولها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به‌کار نگرفته‌ایم؛ در حالی‌که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مومن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. این‌جا از آن‌جابهایی است که ما باید به تولید علم برسیم.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۶/۰۴

دوستان به مساله‌ی کوچک کردن، خصوصی‌سازی و حجم زیاد و فربه‌ی دولت اشاره کردند، که اینها همه مورد تایید است. من این نکته را عرض کنم: ما در زمینه‌ی همه‌ی فعالیتهای گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه مجوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متناقض نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مساله‌ی خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۲/۰۶/۲۱

ما از لحاظ علمی و سازندگی پیشرفت کردیم و آنچه در این کشور در بخشهای مختلف انجام شده، حقیقتاً می‌تواند الگو باشد. کار زیادی در همه‌ی بخشها در زمینه‌ی ترویج دین، در زمینه‌ی رشد، گسترش و ترویج علم، در زمینه‌ی شکوفایی استعدادها، در زمینه‌ی زیرساختهای عظیمی که برای اداره‌ی کشور و برای رفاه عمومی لازم بوده، و در زمینه‌های گوناگون، انجام شده است.

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۸۲/۰۷/۰۵

مساله‌ی خروج نخبگان از کشور؛ چون خروج نخبگان از کشور - من چند بار تا حالا این را گفته‌ام - به‌طور مطلق موضوعی منفی نیست؛ زیرا ممکن است نخبه‌ی از کشور خارج شود و بخواهد معلوماتی کسب کند و بعد برگردد و برای کشور مفید باشد. البته بهتر این است که ما امکاناتی را برای همین نخبه فراهم کنیم، تا در خود کشور آنچه را که از نظر رشد و شکوفایی استعداد لازم دارد، مهیا شود؛ کارگاه داشته باشد، محیط مانور علمی و تحقیقی داشته باشد؛ این بهترین است؛ اما اگر نشد، نخبگان بروند - فضای دنیا فضای وسیعی است - منتها این رقتن باید با حساب و کتاب انجام بگیرد؛ یعنی آن نخبه بدانند که برای چه دارد می‌رود؛ چه می‌خواهد بکند و پس از آموزش آنچه را که لازم دارد، چه استفاده‌ی می‌خواهد از آن دانش بکند.

بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۲/۰۹/۱۱

اشاره کردم که علم مقوله‌ی بسیار مهمی است. امروز انسان وقتی به راه‌های مختلف برای پیشرفت کشور نگاه می‌کند، می‌بیند همه منتهی می‌شود به علم. لعنت خدا بر کسانی که در طول ده‌ها سال کشور را از پیشرفت علمی باز داشتند. وقتی پیشرفت علمی وجود داشته باشد، پیشرفت فناوری را هم با خودش می‌آورد، و پیشرفت فناوری هم کشور را رونق می‌دهد و در جامعه نشاط به‌وجود می‌آورد. اگر علم نباشد، هیچ‌چیز نیست؛ و اگر فناوری هم باشد، فناوری عاریه‌ی بی‌دروغی و وام‌گرفته‌ی از دیگران است؛ مثل صنعت‌های مونتاژی که وجود دارد. علم را باید رویانید. به‌نظر من رسانه می‌تواند در نهضت تولید علم و فکر و نظریه و اندیشه در زمینه‌های مختلف - چه در زمینه‌ی فنی و چه در زمینه‌ی انسانی و غیره - نقش ایفا کند. شما می‌توانید خط تولید علم و فکر و نظریه را برنامه‌ریزی‌شده دنبال کنید؛ به بحثهای منطقی و مفید دامن بزنید؛ کرسی‌های نوآوری را تلویزیونی کنید و چهره‌های علمی نوآور خوب را مطرح نمایید.

بیانات در دیدار جمعی از روسای دانشگاه‌ها / ۱۳۸۲/۱۰/۱۷

نکنه‌ی دیگر در زمینه‌ی کار شما آقایان، مساله‌ی اساتید دانشگاه‌هاست. اساتید نقش بسیار مهمی دارد؛ نقش اثرگذاری دارد. در این زمینه، هم شماها و هم هیات‌امنا دانشگاه‌ها خیلی مسوولیت دارید. اساتید چون می‌توانند محیط دانشجویی را تحت‌تاثیر قرار دهند، بایدهایی دارد؛ این بایدها را حتماً باید رعایت کنید؛ منتها در حد مقدور؛ لافال به نبود مطلق‌اش راضی نشوید، یا به‌هیچ‌وجه به ضدش راضی نشوید. اساتید باید سرشار از عشق به اسلام و انقلاب و غرور ملی و دینی باشند؛ اساتید ایده‌آل این است. اساتید واقعا باید احساس غرور ملی و غیرت دینی بکنند و سرشار از روحیه‌ی خدمت باشند؛ یعنی حقیقتاً بخواهد کار کند و این جوانها را مثل بچه‌های خودش پرورش دهد. حالت بی‌تفاوتی، بی‌اعتنایی، از سر وا کردن و کلاسی را به هرچه هرچه گذراندن، مطلقاً در یک استاد قابل قبول نیست. اساتید باید مدافع خلاقیت و نوآوری و ابتکار باشند. البته ما باید آیین‌نامه‌های تحصیلی را اصلاح کنیم. مرتب باید آیین‌نامه‌های آموزشی و آیین‌نامه‌های نانوشته - چون خیلی از این آیین‌نامه‌ها نانوشته است - مورد ارزیابی قرار بگیرد؛ نه این‌که هر روز عوض شود، اما دائماً مورد ارزیابی باشد و در مقاطع گوناگون عوض شود. این، جزو کارهای بسیار مهم است که البته در این زمینه، هم شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند نقش ایفا کند، هم وزارت علوم نقش دارد. اساتید باید از جریانات جهان آگاه باشند. اساتید ما در محیط کلاس، به‌خاطر اثرگذاری‌اش باید این چیزها را بدانند.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۱

امروز خوشبختانه برخی از حوزه‌های بزرگ ما از این لحاظ پیشرفت‌های زیادی داشته‌اند. امروز حوزه‌ی قم، حوزه‌ی بسیار بابرکت و باعظمتی شده است. امروز حوزه‌ی قم از جهت تنوع، نوآوری، آشنایی با مسائل روز و در برخی از موارد حتی از جهت تعمق، از گذشته‌ی خود جلوتر است. حوزه‌ی قم، حوزه‌ی بسیار بابرکتی شده است؛ لیکن این کافی نیست. حوزه‌ها در همه‌ی نقاط کشور باید رونق پیدا کنند و علمای بزرگ در حوزه‌ها مستقر شوند؛ همچنان که بودند. در همین استان کرمان شما من بعضی از علما و فقهای بزرگ را زیارت کرده بودم؛ در کرمان، مرحوم آقای صالحی؛ در رفسنجان، مرحوم آقای غروی و مرحوم آقای نجفی؛ اینها مجتهدان مسلم بودند؛ تحصیلکرده و درس‌خوانده بودند. در شهرستان‌های دیگر هم علمای بزرگ و محترمی بودند که بنده آنها را از نزدیک ندیده بودم و نمی‌شناختم. فضای درس‌خوانده و برجسته‌ی حوزه‌ی قم بعد از پایان تحصیلاتشان و بعد از گرفتن توشه‌ی لازم باید برگردند و در این حوزه‌ها مستقر شوند و این حوزه‌ها را بسازند.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۱

در دنیای مادی برای این‌که بتوانند دشمن را از تهاجم به خود منصرف کنند، نیروی نظامی را تقویت می‌کنند. آن روزی که ابرقدرت‌های متعددی وجود داشت، آنها برای این‌که خود را از شر سلاح اتمی طرف مقابل حفظ کنند، سلاح اتمی تولید می‌کردند؛ در حالی‌که می‌دانستند این سلاح هرگز مصرف نخواهد شد؛ اما برای این‌که خودشان را مصون نگه دارند، سلاح اتمی را به عنوان تهدید حفظ می‌کردند. اقتدار خود را در داخل تامین می‌کردند، برای این‌که در مقابل دشمن از خودشان صیانت و حفاظت کنند. اقتداری که ما می‌توانیم در داخل به‌وجود بیاوریم، با بمب اتمی و سلاح هسته‌یی و تقویت نیروی نظامی نیست. البته تقویت نیروی نظامی

در حد متعارف لازم است؛ اما آنچه می‌تواند ما را در مقابل تهاجم همه‌جانبه دشمنان در سطوح مختلف حفظ کند، همین فهرستی است که عرض کردم: تقویت ایمان، تقویت علم، تقویت فناوری، تسلط بر فنون روز، پیشاهنگ شدن در تولید علم، شکوفایی استعدادها، آحاد ملت و جوانان در رشته‌های مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم طبیعی، چه انواع گوناگون علوم تجربی - همبستگی ملی و تقویت همدلی در میان مردم؛ اینهاست که می‌تواند یک ملت را تقویت کند؛ می‌تواند هم دنیای خودشان را آباد کند، هم آنها را از آسیب دشمنان محفوظ نگه دارد. اینها وسیله‌ی است برای حفظ و صیانت؛ ما باید اینها را دنبال کنیم و خود را متعهد به انجام آن بدانیم.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

تقویت ایمان، تقویت علم، تقویت فناوری، تسلط بر فنون روز، پیشاهنگ شدن در تولید علم، شکوفایی استعدادها، آحاد ملت و جوانان در رشته‌های مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم طبیعی، چه انواع گوناگون علوم تجربی - همبستگی ملی و تقویت همدلی در میان مردم؛ اینهاست که می‌تواند یک ملت را تقویت کند؛ می‌تواند هم دنیای خودشان را آباد کند، هم آنها را از آسیب دشمنان محفوظ نگه دارد.

بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه / ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

من به همه‌ی جوانان و همه‌ی کسانی که در راه علم حرکت می‌کنند، موکداً توصیه می‌کنم که رشته‌ی علم و تحقیق و نوآوری در دانش و زنده کردن روح ابتکار و خلاقیت و آفرینش درونی و حقیقی خود را رها نکنند. فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است. دست‌نشانده‌های دستگاه‌های قدرت در گذشته در کشور ما و امروز در بسیاری از کشورهای وابسته‌ی این منطقه سعی می‌کنند تقلید را جایگزین فعالیت و ابتکار کنند. شما می‌بینید کارخانه‌ی را به کشوری می‌دهند - البته پول گزافی هم از آن کشور می‌گیرند - اما ابتکار عمل دست خود آنهاست؛ امکان رشد و خلاقیت و نوآوری نمی‌دهند؛ کمایین که در ایران طاغوتی دیروز ما این‌طور بود؛ اجازه نمی‌دادند نیروهای بااستعداد داخلی در این میدان‌ها رشد کنند و پرورش یابند.

بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه / ۱۳۸۴/۰۲/۱۸

شما برادران و خواهران عزیز که اکثراً در شهرک مس سرچشمه زندگی می‌کنید و بعضی هم شاید از خارج این شهرک تشریف آورده‌اید، مخاطب این پیام و بیان الهی هستیید که «رحم‌الله امر اعلم فائقه»؛ رحمت خدا شامل حال کسانی است که کاری را انجام می‌دهند و آن را با اتقان، درست و کامل به سامان می‌رسانند؛ نیمه‌کاره رها نمی‌کنند و سهل‌انگاری در آن به خرج نمی‌دهند. همه‌ی ما در هر بخشی که مشغول کار هستیم، مخاطب این خطاب هستیم. دولتمردان، مسوولان کشور، مدیران عالی‌رتبه و اقشار مختلف در هر بخشی از بخشها - که یک گوشه‌ی آن، بخش صنعت یا معدن است - در صورتی که کار را با حدیث دنبال کنند و ابتکار و نوآوری در آن به کار بزنند و دانش را در آن به‌کار بگیرند، رحمت خدا شامل حال آنها خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۴/۰۲/۰۲

ما هنوز اول راهیم؛ نمی‌شود گفت وسط راه، ما خواسته‌ایم کشور و جامعه‌ی خود را طبق نظر اسلام بسازیم. طبق نظر اسلام، چه جامعه‌ی را باید ساخت؟ جامعه‌ی که در آن، عدل و داد باشد؛ آزادی فکر و اندیشه باشد؛ رشد و شکوفایی استعدادها باشد؛ اخلاق حسنه و فاضله در روابط اجتماعی حاکم باشد؛ در آن، فقر و فساد و تبعیض نباشد؛ انسانها احساس شرف و افتخار و امید کنند و بخواهند دنیایی را با شرف و با افتخار و با اخلاق فاضله بسازند. اسلام جامعه‌ی را می‌خواهد که در آن علم بجوشد و بر پایه‌ی علم، همه‌ی بنیانهای اجتماعی نوسازی شود و پیش برود. اسلام جامعه‌ی را می‌خواهد که در آن، افراد و مجموعه‌ی یک ملت مشعل و پرچم شاخصی باشند برای همه‌ی ملتها؛ «و تكونوا شهدا علی الناس».

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۸۴/۰۲/۱۲

راهی که ملت ایران در پیش دارد، راه آباد کردن دنیاست. علم را، دانایی را، اقتصاد را، سیاست را، زندگی فردی را، روابط اجتماعی را، برنامه‌های کلان جامعه را - که اجزا گوناگون دنیاست - باید آباد کرد، پیش برد، رونق داد و آنها را به شکوفایی رساند؛ و همه‌ی اینها در سایه‌ی دین تحقق پیدا خواهد کرد. امام این را به ما آموخت؛ و همین عامل دشمنی آشتی‌ناپذیر و خصومت کور ابرقدرتها با نظام جمهوری اسلامی بود، و امروز هم هست. امروز هم یکی از آماج‌های تهاجم دشمنان ما در سطح تبلیغات جهانی، همین یگانگی دین و دنیاست؛ می‌گویند چرا دین را پیشوا و مهندس دنیا می‌دانید. آنها احساس خطر می‌کنند؛ چون دنیایی که آنها می‌خواهند، دنیای ظلم و تجاوز و دنیای تهی از معنویت و اخلاق است. این، نظامی است که استکیار جهانی برای بشریت امروز و دیروز، همیشه در نظر داشته است. نظام جمهوری اسلامی این نظم باطل و این دور غلط را شکسته است؛ نمونه‌ی را نشان می‌دهد که دین می‌تواند در دنیای مردم به‌طور عملی موثر باشد.

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۸۴/۰۸/۱۲

پروردگارا! به محمد و آل محمد ملت ما را در میدان‌های معنویت، در میدان‌های رشد و شکوفایی مادی، در عرصه‌های فردی و اجتماعی، موفق و موید بدار.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۸۴/۱۰/۱۲

این وضع جدیدی که در کشور به‌وجود آمده است و تشکیل دولت و گرایش که امروز در عموم مردم و در دولت‌مردان مشاهده می‌شود، این نوید را می‌تواند بدهد که اوضاع برای برگرداندن جهتگیری غلط، اوضاع مساعدی است؛ نه به این معنا که همه چیز از پیش قابل حدس قطعی باشد؛ بلکه بسته به این است که ما چه‌کار بکنیم، لیکن زمینه، زمینه مساعدی است؛ چون شعارهایی مطرح شده که منطبق با مبانی انقلاب بوده و مردم به این شعارها پاسخ داده‌اند؛ و من مکرر این را گفته‌ام. ما در انتخاباتی که چند ماه پیش گذرانیدیم، اکثریت قریب به اتفاق مردم، به ارزش‌های انقلاب رای دادند؛ چه آنها‌ی که به آقای هاشمی رفسنجانی رای دادند؛ چون آقای هاشمی هم یکی از برجستگان انقلاب است؛ ایشان یک شخصیت انقلابی، روحانی و معمم است و بسیاری از کسانی که به ایشان رای دادند، درواقع به همین ارزش‌ها رای دادند. نباید تصور کرد که هفده میلیون به شعارهای آقای احمدی‌نژاد رای دادند و ده میلیون دیگر رای ندادند؛ قضیه این‌گونه نیست؛ بلکه اکثریت بزرگی از مردم در این انتخابات پایبندی خودشان را به دین، به ارزش‌های انقلاب، به دل‌بستگی‌های امام نشان دادند و دولتی هم براین اساس تشکیل شده و همین شعارها را هم این دولت تکرار می‌کند و ادامه می‌دهد و حرکت می‌کند. مردم هم استقبال می‌کنند و با آغوش باز این حرف‌ها را می‌پذیرند. این، نشان‌دهنده‌ی یک زمینه بسیار خوبی است که ما باید از این زمینه استفاده کنیم. بنابراین، در وضع جدید، به نظر من یویایی، نشاط، انگیزه و نوآوری اعضای این مجموعه بایستی مضاعف بشود؛ نمی‌شود قبول کرد که ما یک مجموعه فرهنگی داریم که آن را به عنوان قرارگاه اصلی مسائل فرهنگی و کارزار فرهنگی قرار داده‌ایم - یک‌چنین کارزاری در همه‌ی ادوار و در همه‌ی کشورها اجتناب‌ناپذیر است - درعین‌حال، در این قرارگاه اصلی، بی‌نشاطی یا رکود یا عدم پیشرفت ملاحظه و مشاهده بشود؛ این را من اصلاً تصور نمی‌توانم بکنم.

بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی / ۱۳۸۴/۱۱/۱۸

یک روز نیروی هوایی با آن کار بزرگ خود در بیست‌ودو بهمن، تحول را در مجموعه‌ی کشور به وجود آورد. شاید آن جوان‌هایی که آن روز آمدند، نمی‌دانستند که چه کار مهمی انجام می‌دهند - یک ایمان، یک عشق آنها را به میدان کشانده بود - اما کار آنها بشدت در کل حرکت انقلاب تاثیرگذار بود. بنابراین، هر بخشی از

بخش‌های نیروهای مسلح و بیرون از نیروهای مسلح، می‌توانند در مواقع خاصی بشدت اثرگذار باشند. به خود اعتماد کنید، از نیروی درونی و ذاتی خود استفاده کنید و بدانید که شما می‌توانید بخش خودتان را با اراده و ابتکار و نوآوری و فعالیت خودتان، در سطح بالا، وسیله‌ی عزت ملت خودتان قرار بدهید؛ می‌شود؛ تا حالا هم امتحان کرده‌ایم و شده است. کار سازمانده‌ی شده، منظم، با اعتماد به خود، و با حفظ آن انضباط دقیق و ظریف نظامی، و با اخلاص، و با توکل به خدا؛ در همه‌ی قسمت‌های شما یک چنین کاری با این روح و با این جوهر و حقیقت، می‌تواند تاثیرات بزرگی را بگذارد.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

حرف اصلی ما امروز این است که نه با توقف در گذشته و سرکوب نوآوری می‌توان به جایی رسید، نه با رهاسازی و شالوده‌شکنی و هرج و مرج اقتصادی و عقیدتی و فرهنگی می‌توان به جایی رسید؛ هر دو غلط است. آزادی فکر؛ همان نهضت آرادفکری که ما دو، سه سال قبل مطرح کردیم و البته دانشجویها هم استقبال کردند؛ اما عملاً آن کاری را که من گفته بودم، انجام نشده است؛ نه در حوزه، نه در دانشگاه. من گفتم کرسیهای آزاداندیشی بگذارید. البته حالا اینجا الان پادم آمد که در گزارشهای مربوط به دانشگاههای سمنان خواندم که خوشبختانه مجموعه‌های فعال دانشجویی در سمنان با همدیگر مناظرات آزاد دارند. اگر این گزارش که به من دادند، دقیق باشد، بسیار چیز مثبت و خوبی است.

مسئله‌ی آزاداندیشی‌ای که ما گفتیم، ناظر به این است. باید راه آزاد اندیشی و نوآوری و تحول را باز گذاشت، منتها آن را مدیریت کرد تا به ساختارشکنی و شالوده‌شکنی و بر هم زدن پایه‌های هویت ملی نینجامد. این کار، مدیریت صحیح لازم دارد. چه کسی باید مدیریت کند؟ نگاهها فوراً می‌رود به سمت دولت و وزارت علوم و...؛ نه، مدیریتش با نخبگان است؛ با خود شماست؛ با اساتید فعال، دانشجوی فعال و مجموعه‌های فعال دانشجویی. حواستان جمع باشد! دنبال حرف نو و پیدا کردن حرف نو حرکت کنید؛ اما مراقب باشید که این حرف نو در کدام جهت دارد حرکت می‌کند؛ در جهت تخریب یا در جهت ترمیم و تکمیل؛ اینها با هم تفاوت دارد. این وظیفه‌ای است به عهده‌ی خود شماها. امثال بنده که مسئول هستیم؛ البته مسئولیتهای داریم و شکی نیست در این زمینه‌ها؛ اما کار، کار خود شماهاست. گمان نکنید که نهضت آزاداندیشی و حرکت تحول و شجاعت در کارهای گوناگون را، به جای شما که دانشجو هستید یا محقق هستید یا استاد هستید، ممکن است مسئولان دولتی یا بنده بیاییم انجام بدهیم؛ نه، من نقشم این است که بیایم بگویم این کار را خوب است بکنیم. نهضت نرمافرزاری و جنبش نرمافرزاری و نهضت تولید علم را ما مطرح کردیم؛ الان حدود ده سال می‌گذرد و امروز یک غوغایی راه افتاده است. چه کسی این راه انداخته؟ من که یک کلمه بیشتر نگفتم. این کار را شما کردید؛ محقق ما، جوان ما و استاد ما؛ تحول از این قبیل است. وظیفه‌ی نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و حوزه و دانشگاه، مدیریت این تحول است. نه باید تحولات را سرکوب کرد، نه باید تسلیم هر تحولی شد. خوب، این تحول برای چیست؟ برای پیشرفت. پیشرفت چیست؟ باید آن را معنا کنیم.

بیانات در دیدار مردم شاهرود / ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه‌ی اقتصاد و بقیه‌ی موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکند. همه‌ی انسانها بتوانند در آن با توان خدادادی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد / ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

از یک طرف هم در نقطه‌ی مقابل، کسانی بوده‌اند و هستند که با هر نوع نوآوری و تحولی مخالفت کرده‌اند؛ به اسم اینکه این سابقه ندارد، این را نمی‌شناسیم، این را نمیدانیم، به این مشکوکیم. حدیث «شر الامور محدثاتها» (۱) را بد معنا کرده‌اند. با اینکه نوآوری سنت تاریخ است؛ سنت طبیعت است و بدون نوآوری زندگی بشر معنا پیدا نمی‌کند؛ اما اینها مخالفت کردند. این دو گرایش متضاد وجود داشته است.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌های استان خراسان در دانشگاه فردوسی / ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

یک مساله هم در مورد رشد دادن به دانشجویها - که اشاره کردم - کارهایی است که به عهده‌ی اساتید و به عهده‌ی مدیریت‌هاست؛ اینجا مخاطب فقط اساتید نیستند؛ مدیریت‌ها هم هستند. این کارها را واقعاً در برنامه بگذارید؛ مثل کارگاه‌های آموزشی؛ مثل اردوهای علمی؛ مثل جایزه به نوآوری‌ها؛ مثل مطالبه‌ی دستگاه صنعت از محقق جوانی که در دانشگاه دارد یک کاری را انجام می‌دهد، یعنی ارتباط دانشگاه و صنعت که این هم جزو شعارهای حتمی و قطعی‌ای بوده است که بنده از سه، چهار سال قبل از این مطرح کردم.

پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت حلول سال ۱۳۸۷ / ۱۳۸۷/۰۱/۰۱

من برای این سال دو چیز را انتظار می‌برم: یکی این‌که در همه‌ی بخشهایی که گفتیم باید نوآوری بوجود بیاید؛ مسئولان دولتی در روشهای اقتصادی، در روشهای سیاسی و دیپلماسی، در پیشبرد کشور به سمت علم و تحقیق، در گسترش فرهنگ مطلوب در میان کشور، در ارائه‌ی خدمات به همه‌ی قشرها بخصوص قشرهای محروم و مظلوم، در آبادانی کشور، آحاد مردم در دانشگاهها، در بنگاههای اقتصادی، در دستگاههای گوناگون اجتماعی و خدماتی، هر کدامی نیاز دارند در کار خود و در عرصه‌ی فعالیت خود نوآوری کنند؛ این نقطه‌ی اولی است که مورد انتظار ماست. در این سال باید نوآوری فضای کشور را فرا بگیرد و همه خود را موظف بدانند که کارهای نو و ابتکاری را - در سایه‌ی مدیریت صحیح و تدبیر درست - در فعالیت کشور وارد کنند. انتظار دوم این است که فعالیتهایی که در سالهای گذشته انجام گرفته است، کارهایی که دولت کرده است، سرمایه‌گذاری‌های بزرگی که مسئولان گوناگون و آحاد مردم در بخشهای مختلف - چه سرمایه‌گذاری مادی، چه سرمایه‌گذاری معنوی - انجام داده‌اند، اینها به شکوفایی برسد و مردم نتایج آن را در زندگی خود حس کنند. برخی از کارها امروز آغاز می‌شود، لکن بزودی نتیجه‌ی خود را نشان نمی‌دهد؛ کارهایی که در سالهای اخیر انجام گرفته است و همچنین بسیاری از کارهایی که در طول سالهای گذشته انجام گرفته است، باید نتایج خود را بتدریج به مردم نشان بدهد و کام مردم را شیرین کند؛ باید آنچه را که کاشته‌ایم، شکوفا بشود و به مردم ثمر بدهد. لذا من امسال را «سال نوآوری و شکوفایی» می‌نامم و انتظار دارم که ان‌شاءالله هم در زمینه‌ی نوآوری و هم در زمینه‌ی شکوفایی، ملت ما شاهد نتایج شیرینی باشند و سال را ان‌شاءالله به بهترین وجهی، با عزت، با موفقیت، با کامیابی و شادابی و با توان بیشتر به پایان ببرند.

بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان / ۱۳۸۷/۰۲/۰۴

اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض‌اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفایی کار، به نوآوری در بخشهای مختلف کار. از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاه‌ها، تا توی محیط مزرعه، در همه جا بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهانهای خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

علم یکی از این محورهای اصلی است؛ اتحاد یکی از محورهای اصلی است؛ تدین یکی از محورهای اصلی است؛ اقتصاد کشور هم یکی از محورهای اصلی است. اگر ما اینها را در این دوره از زمان با این شعار نوآوری که به شکوفائی قطعا منتهی خواهد شد، عملیاتی و اجرایی کنیم و دنبالش برویم، همین چند محور در همین مرحله خواهد توانست دشمن را به شکست بکشاند بدون تردید.

بیانات در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس / ۱۳۸۷/۰۲/۱۷

آنچه میتواند برای آینده ما امیدبخش باشد، همین است که بحمدالله شعار نوآوری که لازمه نوآوری هم همین شکوفائی استعدادها و ثمربخشی سرمایه‌گذاری‌های قبلی است - یک شعار حقیقی است - شعار زمان و نیاز روز ماست. همه‌ی قرائن هم این را نشان میدهد. نوآوری یک نیاز کنونی حرکت کشور است. نوآوری به معنای خط بطلان کشیدن بر گذشته نیست؛ بلکه به معنای تکیه کردن به گذشته برای بنای آینده است. و این احتیاج دارد به اینکه همه‌ی همت ما، همه‌ی تلاش ما متوجه به این باشد که ما باید این کشور و این تاریخ را بسازیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت میث حضرت رسول اعظم (ص) / ۱۳۸۷/۰۵/۰۹

در میان آن مردم این انسان برجسته مورد لطف الهی قرار گرفت و این بار بر دوش او نهاده شد؛ چون خدا او را آزموده بود. خدا بنده‌ی خود را میشناخت و میدانست که این بار را بر دوش چه کسی میگذارد، و پیغمبر ایستاد. این ایستادگی، این استقامت همراه با معرفت عمیق به آن هدفی که به سوی آن حرکت میکند و آن راهی که آن را میپیماید، پشتوانه‌ی همه‌ی پیشرفتهای پیغمبر و پشتوانه‌ی شکوفائی این حرکت عظیم شد. بله، حق پیروز است، اما بشرطها؛ شرط پیروزی حق، دفاع از حق است. شرط پیروزی حق، ایستادگی در راه حق است.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

دوم این که اولویت را به کارهایی بدهید که نیمه‌کاره مانده؛ شکوفایی این است. ما گفتیم نوآوری و شکوفایی. نوآوری به معنای هی پروژه‌ی جدید ایجاد کردن نیست. نوآوری یعنی نوآوری در فکر، در اندیشه، راه‌های نو را پیدا کردن و آنها را به عنوان برنامه و راهنمای کار در اختیار دولت - چه این دولت، چه هر دولت دیگری تا بیست سال آینده - قرار دادن؛ معنای نوآوری این است که شیوه‌های نو را پیدا کنیم. بخشی از شکوفایی هم این است که کارهایی را که شما تا حالا کرده‌اید، بتواند طعم خودش را به کام مردم بنشانند. پس اولویت را به کارهایی بدهید که نیمه‌کاره مانده؛ چه آنهایی که در دولت شما شروع شده، چه آنهایی که در دولت‌های قبلی شروع شده. مهم این است که در همین دوره مردم طعم همه‌ی خدمات شما را بچشند.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۸۷/۰۷/۰۷

من به نظرم میرسد یکی از کارهای لازم، تشکیل جلسات فکری وسیعی است که مجموعه‌ی دانشجویی، همراه با مجموعه‌ی حوزوی، با برنامه‌ریزی خوب، میتواند به وجود بیاورد تا بنشینند درباره‌ی مسائل گوناگون فکر کنند. گسترش فکر و پراکندن فکر درست و صحیح میتواند همان ثمراتی را ببخشد که ما در زمینه‌های مسائل علم و فناوری و پیشرفت علوم از دانشجو توقع داریم؛ یعنی شکوفائی، آوردن حرف نو به میدان اندیشه، با یک حرکت صحیح و جهتگیری درست. یکی از کارها این است.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان / ۱۳۸۷/۰۸/۰۸

شما که عاشق سربلندی ایران اسلامی هستید و خود را سرباز اسلام میدانید و همین‌طور هم هست، برای ساختن آینده مسئولیت بزرگی بر دوش دارید. این خصوصیت یک مکتب صادق و حقیقی و واقع‌بین است. همه مسئولند. جوان هم که در عنقوان شکوفائی استعدادهاست، جزو مسئولان است؛ مسئولیت فقط مال پیران و میان‌سالان نیست، بلکه میتوان با یک نگاهی گفت که جوان مسئولیت سنگین‌تری دارد؛ چرا؟ چون توانائی جوان، شکوفائی جوان، نیروی جوان بیش از دیگران است. جوان باید در درون خود، در دل خود، در وجدان خود احساس کند که نسبت به آینده این کشور، آینده این ملت، آینده این تاریخ، مسئولیت دارد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۸۷/۱۲/۲۵

خیلی عبرت‌آموز است، شما ملاحظه کنید؛ دو سال قبل از این، وقتی که جوانان مقاومت لبنان و حزب‌الله لبنان بر اسرائیل غلبه کردند و رژیم صهیونیستی را آنجور ذلیل کردند و این در دنیای اسلام برای مسلمانها یک شکوفائی و یک پیروزی به شمار آمد، بلافاصله دستهای تفرقه‌افکن شروع کردند مسئله شیعه و سنی را مطرح کردند؛ تعصبات مذهبی را تشدید کردن؛ چه در خود لبنان، چه در منطقه‌ی خاورمیانه و چه در همه‌ی دنیای اسلام. کانه مسئله‌ی شیعه و سنی تازه به وجود آمده است!

پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۸ / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

همان‌طور که مشاهده میکنید، سال نوآوری و شکوفائی خوشبختانه با نوآوری‌های زیاد و شکوفائی‌های چشمگیر همراه شد و توانست این شعار را در مرحله‌ی مقدماتی خود کاملاً فعال کند. البته شکوفائی و نوآوری مخصوص این سال نبود؛ ما در آینده هم در سالهای گوناگون بایستی همین خط را با جدیت پیگیری و تعقیب کنیم و ان‌شاءالله خود را به نقطه‌ای که در زمینه علمی و فناوری، شایسته‌ی ملت ایران است، برسانیم.

بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس / ۱۳۸۸/۰۶/۲۲

جنگ، کار پیچیده‌ای است. مدیریت جنگ و فرماندهی جنگ، کار بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. این کار را جوانهای نورس ما در بسیاری از بخشها انجام میدادند. این تدبیر، این حکمت، چیز بسیار شگفت‌آوری است؛ مظهر شکوفائی استعدادها و ظرفیتهاست. چقدر جوانهای کم‌سال رفتند در جبهه و توانستند در آنجا کارهای بزرگ از خودشان نشان بدهند. بعضی شهید شدند، بعضی هم جزو سرمایه‌های انقلاب بودند، بعدها کشور از اینها استفاده کرد.

ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه‌گذاری» / ۱۳۸۹/۱۱/۲۹

افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه‌های بین‌المللی از طریق لغو انحصارات غیرضرور و تقویت ساختار رقابتی و زیرساخت‌های لازم و حمایت از کارآفرینی و ارتقا خلایق و نوآوری.

دیدار فرماندهان ارشد نظامی جمهوری اسلامی ایران با فرمانده کل قوا / ۱۳۹۰/۰۱/۱۲

انقلاب اسلامی ایران همانند شجره طیبه ای است که میوه‌های ایستادگی ۳۲ ساله آن به صورت عزت ملت، سربلندی سیاسی نظام اسلامی، پیشرفتهای نوآوریها در عرصه‌های مختلف علمی و اقتصادی، و کوتاه نیامدن در مقابل قدرتهای زورگو، تداوم پیدا کرده و اکنون به الگویی برای ملت‌های منطقه تبدیل شده است.

دیدار فرماندهان ارشد نظامی جمهوری اسلامی ایران با فرمانده کل قوا / ۱۳۹۰/۰۱/۱۲

انسانها نیز می‌توانند خود را هماهنگ با عالم طبیعت کنند و از این فرصت برای روئیدن و بالیدن و تلاش و نوآوری و ابتکار استفاده کنند.

بیانات پس از اقامه نماز در جمع برخی از شخصیت‌های فرهنگی سیاسی / ۱۳۹۰/۰۱/۲۳

نوروز هم، یعنی نو شدن سال - حالا اسمش را هرچه بگذاریم؛ که خب، نوروز اسم مناسبی است - چیز خیلی خوبی است. در حرکت زندگی، مقطع فرار دادن خیلی خوب است. اگر زندگی همین طور یکنواخت ادامه پیدا کند و انسان به مقاطع جدید نرسد، قاعدتا به فکر نوسازی و نوآوری نخواهد افتاد. مقطع قرار دادن در حرکت عمر و مسیر عمر، یکی از فوایدش همین است که انسان میگوید خب، این سال کهنه شد، تمام شد، حالا شد سال نو؛ سال نو هم کار نو، فکر نو، همت نو و انگیزه نو را قهرا با خودش همراه می‌آورد؛ همچنان که رسم است بین ما و بین دیگر مردم دنیا که وقتی سالشان نو میشود، لباسها را نو میکنند، خانه را نو میکنند؛ که خب، بین ما خانه‌تکانی و اینها معمول است؛ دیگران هم ظاهرا این چیزها را دارند. پس نوروز یک مقطع جدیدی است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

ما نتوانستیم از همین محدودیتها به عنوان یک فرصت استفاده کنیم. همین منعها و تحریمها و محدودیتها موجب شد که ما در میدانهای نوآوری و ابتکار، در همه‌ی زمینه‌ها، به پیشرفت‌هایی دست پیدا کنیم که کشورهای منطقه در طول سالهای متمادی هم نتوانستند به آن پیشرفت‌ها دست پیدا کنند. ملت ما، مردم ما، جوانان ما، دانستند. من مثالهایی دارم در انقلابها، که حالا مجال نیست من اینها را عرض کنم؛ شاید در خلال بعضی از دیدارهای دیگر گفتم. انقلابهایی که در دهه‌ی ۷۰ میلادی - یعنی چند سال قبل از انقلاب ما - در بعضی از کشورها اتفاق افتاده بودند، وضع رقتباری داشتند؛ قابل مقایسه نبودند. انقلاب عظیم ما توانست اینچنین پیشرفت کند.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

هر جایی که مسئولین کشور توانایی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تامین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه‌ی مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند - همچنان که در عرصه‌ی بسیار دشوار جنگ این اتفاق افتاد، راه باز شد؛ کسانی توانستند راه را باز کنند - تا هر جوانی، هر پیری، هر مردی، هر زنی که بخواهد در این کار بزرگ شرکت کند، راه برایش باز باشد. در زمینه‌های گوناگون هم میشود، در اقتصاد هم میشود. اقتصاد کشور، تولید کشور میتواند به وسیله‌ی همت مردم، با پول مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفایی پیدا کند.

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

بسیجی که در سال ۵۸ تشکیل شد، نیازهای آن روز را تامین میکرد - این یک نیاز بود - امروز بسیج نوع نیازهای دیگری را برآورده میکند. مسائلی که امروز مطرح است، آن روز مطرح نبود. امروز بسیج ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی ابتکار، در زمینه‌ی نوآوری، پیشرو است. این هم هنر امام بود.

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

منطقه‌ای که ما نام بسیج را بر آن اطلاق میکنیم و روحیه‌ی بسیجی را در آن گسترش میدهیم، یک منطقه‌ی محدود نیست، فقط منطقه‌ی نظامی نیست؛ همه‌ی بخشهای کشور میتوانند دارای روحیه‌ی بسیجی باشند. علم‌آموزی بسیجی، ثروت‌اندوزی بسیجی، دیپلماسی بسیجی، سیاست‌ورزی بسیجی، مدیریت بسیجی، سازماندهی بسیجی؛ مفهوم بسیج شامل حال همه‌ی این زمینه‌ها میشود؛ معنایش هم عبارت است از نوآوری و ابتکار و اخلاص.

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

وقتی ما میگوئیم همه جا بسیج هست، معنایش این نیست که از بسیج بیست میلیونی‌ای که امام گفت - یا ده‌ه‌میلیونی بعد از امام - غفلت کنیم؛ نه، نه؛ آن لازم است. با آرزوها و آمال و نگاه‌های بلندنظرانه‌ای که ملت ما دارد، آمادگی دفاعی لازم است و همیشه باید وجود داشته باشد؛ همراه با ابتکار، همراه با نوآوری. لذاست که ما از سازماندهی‌های بسیج کاملاً حمایت میکنیم. عمق فکر و بصیرت هم در این سازماندهی‌ها باید مورد ملاحظه قرار بگیرد. یعنی جوانان عزیز ما بدانند، آگاهانه حرکت کنند؛ بدانند دنبال چه هستند.

بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۳

برای من دیدار با شما جوانان عزیز از دو جهت مهم است: یکی اینکه خود حضور در میان جوانان، شنیدن از آنها، گفتن با آنها، به انسان روحیه‌ی جوانی و نشاط میبخشد؛ که ما امروز در مسئولیتهای مختلف به این روحیه‌ی نشاط نیازمندیم. در یک چنین جمع‌هایی، حالت ابتکار و نوآوری و طبلکاری قلعه‌های بلند موج میزند؛ و این همان چیزی است که برای ما مطلوب است.

بیانات در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۶

خوشبختانه ما در سرتاسر کشور نشانه‌های وجود نبوغها و برجستگی‌ها و برتری‌های استعدادی را شاهدیم؛ این را باید قدر بدانیم. مسئولین کشور، از جمله واجبتین کارهایشان همین است. امروز در میان همین پیشنهادهایی که شد، یکی این بود که اساتید برجسته متمرکز بشوند، در جاهانی مورد توجه قرار بگیرند، از وجود اینها استفاده بشود؛ این کاملاً درست است. جوانهای برجسته همین جور. بنیاد نخبگان - که الحمدلله تلاشهای خوبی دارد - همین جور باید دنبال کند. ما بایستی این جریان نوآور جامعه را که به معنای واقعی کلمه مشغول خلاقیت است، تقویت کنیم. ان‌شاءالله این به آینده‌ی خوبی برای کشور منتهی خواهد شد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۰/۰۸/۱۱

فرصت مال شماسست. همچنان که امروز فرصت پیشرفت، فرصت شکوفایی، فرصت حرکت‌های بزرگ سیاسی و انقلابی و اجتماعی مال شما جوانهاست، فرصت توجه به خدای متعال و ذکر الهی و مستحکم کردن رابطه‌ی قلبی با خدا هم متعلق به شماسست.

بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش‌بنیان / ۱۳۹۱/۰۵/۰۸

جلسه‌ی امروز با هدف تقویت شرکتهای دانش‌بنیان و به طور کلی نوآوری در دانش و فناوری و تقویت ورود محصولات این شرکتهای به بازار و مصرف، تشکیل شد. خب، دوستان مطالب بسیار خوبی را بیان کردند. خوشبختانه در جلسه، مسئولین حضور دارند و پیشنهادها را شنیدند. البته دوستانی که در قالب پیشنهاد صحبت کردند، برخی گلابه‌ها را هم مطرح کردند که به نظر من حق به جانب آنهاست. گلابه‌ها، گلابه‌های درستی است؛ برطرف شدن آنها هم با توجه به همین پیشنهادها خواهد بود. خب، مسئولین، اینجا حضور دارند؛ معاون محترم رئیس‌جمهور و برخی وزیران مرتبط با این مسائل و همچنین بعضی مسئولان دیگر در جلسه هستند و مطالب را شنیدند. آنچه که در این جلسه گفته شد، ان‌شاءالله و به توفیق الهی جمع‌بندی و دنبال هم خواهد شد. البته توقعاتی هم از دستگاه رهبری مطرح شد، که ما ان‌شاءالله همه‌ی آنها را دنبال خواهیم کرد؛ چه آن چیزهایی که ارتباط به دستگاه‌های دولتی و اجرایی دارد - که ما باید تاکید کنیم - چه آن

چیزهایی که به نحوی مرتبط با خود دستگاه رهبری است. ان‌شاءالله ما اینها را دنبال میکنیم. البته من نمونه‌هایی از پیشنهادها و انتظاراتی که دوستان مطرح کردند، اینجا یادداشت کردم؛ که به نظر من غالباً انتظارات درستی است و امیدواریم ان‌شاءالله به اینها رسیدگی شود. من به بعضی از این پیشنهادها و انتظارات هم اشاره خواهم کرد.

بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان / ۱۳۹۱/۰۵/۰۸

با توجه به واقعیاتی که ما مشاهده میکنیم و جلوی چشم ماست، این اوجگیری، این رسیدن به این تعالی مورد نظر و پیشرفت، به هیچ وجه خیالپردازانه نیست؛ واقع‌گرایانه است؛ تجربه‌ی این چند سال هم همین را نشان میدهد. در همین آمارهایی که داده شد، ملاحظه کردید که پیشرفت کشور در بخشهای مهم و دانشهای نو و موثر در زندگی، با فاصله‌ی چند سال، پیشرفت چشمگیری بوده است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که استعداد و ظرفیت و آمادگی هست. ما باید این مسئله را جدی بگیریم؛ یعنی به مسئله‌ی علم و تکیه‌ی به علم در کشور اهمیت بدهیم؛ یعنی این را اساس کار قرار بدهیم. حرف ما در این چند ساله همین است. اگر چنانچه علم در بخشهای مختلف جدی گرفته شد، آن وقت این شرکت‌های دانش‌بنیان که بر مبنای علم کار میکنند، تولید میکنند و ثروت‌آفرینی میکنند، خواهند توانست بتدریج اقتصاد کشور را به شکوفائی واقعی برسانند.

□

مقالات مرتبط با کلیدواژه «نوآوری و شکوفایی» :

مبانی خلاقیت و نوآوری در کلام رهبری / نویسنده : عبدالرضا تولیت / ۱۳۸۷/۰۷/۱۷